فـ ۵۰
۲



واوزعنا فيه شكر نعمتك والبسنا فيه جنات عافيتك ...

فيه المنة انك انت المنان الحميد وصلى الله على محمد وآله الطاهرين وهفت مرتبه

سوره حمد خواندن برای دفع درد چشم منقولست و اندک بپیرخوردن گفته اند مستحبست

والعف

وایضا از حضرت صادق ع منقولست که نیکو لقمه ایست پنیر دهان را خوشبو و شیرین
میکند و اشتهای طعام را زیاد میکند و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول ماه بخورد
حاجت او رد نمیشود و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول ماه دو رکعت
نماز کند در هر رکعت بعد از سوره حمد سوره انعام بخواند و از حقتعالی سؤال کند
او را از هر دردی و ترسی ایمن گرداند و نه بیند در آن ماه دردی که مکروه او باشد و از حضرت
امام محمد تقی ع منقولست که چون ماه نو در آید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن در
رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد
سی مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند و بعد از نماز تصدق بکند و چون چنین کند
سلامتی ماه را از حقتعالی خریده باشد و در روایت دیگر وارد شده است
که مستحبست که بعد از این دو رکعت این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم وَمَا مِن دَابَّةٍ
فِی الْاَرْضِ اِلَّا عَلَی اللهِ رِزْقُهَا وَیَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِی كِتَابٍ مُبِینٍ
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَاِنْ یَمْسَسْكَ اللهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَاِنْ یُرِدْكَ بِخَیْرٍ فَلَا رَادَّ
لِفَضْلِهِ یُصِیبُ بِهِ مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ سَیَجْعَلُ اللهُ بَعْدَ
عُسْرٍ یُسْرًا مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِیلُ وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللهِ اِنَّ اللهَ
بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ لَا اِلٰهَ اِلَّا سُبْحَانَكَ اِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ رَبِّ اِنِّی لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ
مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ ایضا از جمله سنتهای مؤکد
که حضرت رسول ص بر آن مواظبت نموده اند تا از دنیا رفته اند روزه سه روز هر ماهست
و آن موافق مشهور پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اول از دهه میان ماهست
و در بعضی از نقلیات عکس این نیز وارد شده است یعنی چهارشنبه اول ماه و چهارشنبه
آخر ماه و پنجشنبه اول دهه میان و اول اشهر بهتر است و سنن آنحضرت تالی واجباتست

بسم الله الرحمن الرحیم

بدانکه در وقت دیدن ماه نو خواه در شب اول و خواه دویم و خواه سیم مستحبست که دعاهای
منقوله را بخواند و بهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است اَیُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِیعُ الدّائِبُ
السَّرِیعُ الْمُتَرَدِّدُ فِی مَنازِلِ التَّقْدِیرِ الْمُتَصَرِّفُ فِی فَلَکِ التَّدْبِیرِ آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ
بِکَ الظُّلَمَ وَاَوْضَحَ بِکَ الْبُهَمَ وَجَعَلَکَ آیَةً مِنْ آیاتِ مُلْکِهِ وَعَلامَةً مِنْ عَلاماتِ
سُلْطانِهِ وَامْتَهَنَکَ بِالزِّیادَةِ وَالنُّقْصانِ وَالطُّلُوعِ وَالْاُفُولِ وَالْاِنارَةِ وَالْکُسُوفِ
فِی کُلِّ ذلِکَ اَنْتَ لَهُ مُطِیعٌ وَاِلی اِرادَتِهِ سَرِیعٌ سُبْحانَهُ ما اَعْجَبَ ما دَبَّرَ فِی اَمْرِکَ
وَاَلْطَفَ ما صَنَعَ فِی شَأْنِکَ جَعَلَکَ مِفْتاحَ شَهْرٍ حادِثٍ لِاَمْرٍ حادِثٍ فَاَسْئَلُ
اللهَ رَبِّی وَرَبَّکَ وَخالِقِی وَخالِقَکَ وَمُقَدِّرِی وَمُقَدِّرَکَ وَمُصَوِّرِی وَمُصَوِّرَکَ
اَنْ یُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ یَجْعَلَکَ هِلالَ بَرَکَةٍ لا تَمْحَقُهَا الْاَیّامُ وَطَهارَةٍ
لا تُدَنِّسُهَا الْآثامُ هِلالَ اَمْنٍ مِنَ الْآفاتِ وَسَلامَةٍ مِنَ السَّیِّئاتِ هِلالَ سَعْدٍ
لا نَحْسَ فِیهِ وَیُمْنٍ لا نَکَدَ مَعَهُ وَیُسْرٍ لا یُمازِجُهُ عُسْرٌ وَخَیْرٍ لا یَشُوبُهُ شَرٌّ هِلالَ
اَمْنٍ وَاِیمانٍ وَنِعْمَةٍ وَاِحْسانٍ وَسَلامَةٍ وَاِسْلامٍ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنا
مِنْ اَرْضی مَنْ طَلَعَ عَلَیْهِ وَاَزْکی مَنْ نَظَرَ اِلَیْهِ وَاَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِیهِ وَوَفِّقْنا
فِیهِ لِلتَّوْبَةِ وَاعْصِمْنا فِیهِ مِنَ الْحَوْبَةِ وَاحْفَظْنا فِیهِ مِنْ مُباشَرَةِ مَعْصِیَتِکَ
وَاَوْزِعْنا فِیهِ شُکْرَ نِعْمَتِکَ وَاَلْبِسْنا فِیهِ جُنَنَ الْعافِیَةِ وَاَتْمِمْ عَلَیْنا بِاسْتِکْمالِ طاعَتِکَ
فِیهِ الْمِنَّةَ اِنَّکَ اَنْتَ الْمَنّانُ الْحَمِیدُ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِینَ و هفت مرتبه
سورهٔ حمد خواندن برای دفع درد چشم منقولست و اندکی پنیر خوردن گفته اند مستحبست

والعد

وایضا از حضرت صادق ع منقولست که نیکو لقمه ایست پنیر دهان را خوشبو و شیرین
میکند و اشتهای طعام را زیاد میکند و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول ماه بخورد
حاجتش روا میشود و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول ماه دو رکعت
نماز کند در هر رکعت بعد از سورهٔ حمد سورهٔ انعام بخواند و از حق تعالی سؤال کند
او را از هر دردی و ترسی ایمن گرداند و نه بیند در آن ماه دردی که مکروه او باشد و از حضرت
امام محمد تقی ع منقولست که چون ماه نو درآید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن در
رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد
سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخواند و بعد از نماز تصدق بکند و چون چنین کند
سلامتی آن ماه را از حق تعالی خریده باشد و در روایت دیگر وارد شده است
که مستحبست که بعد از این دو رکعت این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم وَمَا مِنْ دَابَّةٍ
فِی الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِی كِتَابٍ مُبِينٍ
بسم الله الرحمن الرحیم وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ
لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بسم الله الرحمن الرحیم سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ
عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّی لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَیَّ
مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ایضا از جمله سنتهای مؤکد
که حضرت رسول ص بر آن مواظبت نموده اند تا از دنیا رفته اند روزهٔ سه روز هر ماهست
و موافق مشهور پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اول از دههٔ میان ماهست
و در بعضی از نقلیات عکس این نیز وارد شده است یعنی چهارشنبه اول ماه و چهارشنبه
آخر ماه و پنجشنبه اول دههٔ میان و اول اشهر و بهتر است و سنن آنحضرت تالی واجبات

در فضیلت و تاکید آنحضرت نماز سنت را در هر شب و هر روز برابر نماز واجب مقرر فرموده اند
هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت نافله بعد
از نماز مغرب و دو رکعت نشسته بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده میشود برابر یک رکعت است
و یازده رکعت نافله شب و دو رکعت پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه اند در ثواب تاکید
مثل آن و نافله فریضه اگر ترک کند سنت است که قضا کند و از برای ترک آن کفاره یک مد
گندم یا جو از برای نافله روز و یک مد از برای نافله شب مقرر کرده اند همچنین روزه سنت در
برابر روزه واجبست که تمام ماه شعبان است و در ماه دیگر در هر ماه سه روز و اگر فوت شود
سنت است که قضا کند و اگر در تابستان دشوار باشد سنت است که در زمستان قضا کند
و اگر دشوار باشد بدل هر روز یک درهم بدهد که بحساب روزه دانگی سه بیستی و سه نار باشد
و بحساب وسط صد درهم بوزن قدیم اصفهان باشد و اگر صد درهم شاه بدهد احوط است
و درهم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول صلعم مدتی
روزه سنت آنقدر گرفت که مردم گمان کردند که هرگز افطار نخواهد کرد و مدتی افطار
کردند که دیگر روزه سنت نخواهد داشت پس مدتی روزه حضرت داود ع را گرفت
که یک روز میداشت و یک روز افطار میفرمود پس در آخر عمر اکتفا نمود بروزه سه روز در هر ماه
بنحوی که گذشت تا آنکه بر امتان آسان باشد متابعت آنحضرت و فرمود که این روزه ثواب
برابر است با روزه تمام سال و وساوس شیطانی را از دل بیرون میکند راوی پرسید که
کدام روزهاست فرمود که پنجشنبه اول و چهارشنبه اول دهه دوم و پنجشنبه آخر پرسیدند
که چرا این روزها را روزه میدارند فرمود که برای آنکه عذاب بر امتهای سابق در این
روزها نازل میشده است پس امر کرد که در این روزها روزه بدارند برای دفع عذاب و در
روایتی دیگر فرمود که پنجشنبه برای این روزه میدارند که اعمال بندگان را در این روز بر خدا

عرض میکنند وچهارشنبه میان را برای این روزه میدانند که آتش جهنم در روز چهارشنبه خلق
شده است و روزه سپر آتش است و بروایت دیگر عذابی که بر امتهای گذشته نازل شده است در چهار
شنبه میان ماه نازل شده است و اگر در دهه دو پنجشنبه بوده باشد پنجشنبه اول اگر بهتر است
واگر میسر نشود پنجشنبه دوم را بگیرند واگر در دهه آخر دو پنجشنبه بوده باشد موافق مشهور پنجشنبه
دوم افضل است چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است و در روایت دیگر وارد شده است که پنجشنبه
اول را بگیرند و بعضی حمل کرده اند بر صورتی که محتمل باشد که پنجشنبه دوم اول ماه دیگر باشد
و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که کسی که در هر ماه این سه روزه را دارد باید که
با هیچکس مجادله نکند و سفاهت و تندخوئی و بیهوده نکند و مبادرت نکند بسوگند خوردن
بخدا اگر کسی با او سفاهت و بیهوده کند درگذرد و معارضه نکند و اگر در این ایام با روزه
باشد و بخانه برادر مؤمن وارد شود و او تکلیف افطار نماید بهتر است از روزه داشتن
هفتاد برابر یا نود برابر چنانچه در حدیث معتبر وارد شده است از حضرت صادق ع و در
حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که داخل شود بخانه برادر مؤمن و روزه باشد و افطار کند
و اظهار نکند که روزه دارم که بر او منت گذارد حق تعالی ثواب روزه یکسال برای او بنویسد
و اگر این سه روزه را در اول ماه یا میان ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست فی الجمله متابعت
سنت کرده است و ثواب روزه سال می یابد چنانچه حق تعالی فرموده است که مَن جاءَ
بالحَسَنَةِ فَلَهُ عَشرُ اَمثالِها یعنی حسنه هر گاه که بدرگاه خدا بیاورد برای او هست ده برابر آن
و این مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بنحوی باشد که از آن
مذکور شد و از جمله روزهای سنت هر ماه روزه ایام البیض است یعنی سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم ماه و احادیث بسیار در فضیلت این سه روز از طرق عامه
و خاصه منقولست و در بعضی از روایات وارد شده است که چون حضرت آدم علیه السلام

مرتکب او مکروه شد در بهشت و او را بزمین فرستادند بدنش سیاه از سر تا پای او مانده بود
چون ملائکه این حالت در او دیدند خروش بر آوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه
حق تعالی پس منادی از آسمان ندا کرد که امروز را روزه بدار و آن روز سیزدهم ماه
بود چون روزه داشت ثلث از سیاهی کم شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را
نیز روزه بدار چون روزه داشت یک ثلث دیگر برطرف شد پس در روز پانزدهم باز
باو ندا رسید که ای آدم این سه روز را برای تو و فرزندان تو مقرر کردم هر که در هر ماه این
سه روز را روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود بروزه باشد و ابن بابویه ره
گفته است که روز پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است که هر دو سنت
باشد و دو پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد و اما اکثر احادیث
ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس ره از حضرت رسول ص روایت کرده است
که جبرئیل ع بر من نازل شد و گفت بگو بعلی ع که روزه بدار از هر ماه سه روز تا نوشته
شود برای تو بسبب روزه روز اول روزه ده هزار سال و بروزه روز دوم سی هزار سال
و بروزه روز سیم صد هزار سال حضرت امیر ع گفت یا رسول الله این مخصوص منست یا
برای همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها روزه بدارد این
ثواب برای او خواهد بود گفت کدام روزهاست از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم و از جمله روزهای مرغوب روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای
کسی که حاجتی داشته باشد چنانکه در ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت
ذکر کرده ام و مشهور میان علما آنست که هر پنجشنبه و جمعه را روزه بدارد مگر آنکه
موافق شود با یکی از ایام محرمه یا مکروهه واقع شود بسند صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که کسی که اراده عمل خیری داشته مانند تصدق کردن و روزه داشتن و مثل

اینها

اینها باید که روزه جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعفست و ابن جنید
گفته است که مستحب نیست روز جمعه روزه گرفتن و اگر ملحق سازد بآن یک روز پیش یا یک روز
بعد جایز است و گفته اند که استحباب روزه دوشنبه و پنجشنبه منسوخ است و در روز شنبه
نهی از آن وارد شده است **مؤلف** گوید که اکثر آنچه ابن جنید گفته است خلاف مشهور
میان علماست و شیخ طوسی علیه الرحمه در مصباح گفته است که ترغیب در روزه جمعه
وارد شده است و بهتر آنست که افطار تنها روزه ندارد و گمان فقیر آنست که نهی از تنها
گرفتن روزه روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را از ابو هریره
نقل کرده اند و بعضی علما نهی از روزه روز جمعه را حمل برین کرده اند که کراهت وقتی
صورت نیست که او را ضعیف کرداند از فرایض و نوافل و دعای روز جمعه و این حمل بد نیست
و اما روز دوشنبه احادیث بر نهی روزه او واقع است و بهتر ترکست خصوصا هرگاه
بقصد برکت روزه دوشنبه باشد مگر آنکه با روز بزرگی از روزهای ماه موافق
شود مثل غدیر و مبعث و مولد و امثال اینها و نهی از روزه شنبه بنظر فقیر نرسیده است
اما فضیلتی هم در روزه آن بخاطر ندارم مگر آنکه شیخ مفید قدس سره روایت کرده
است که هر که در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذیقعده و ذیحجه و محرم پنجشنبه
و جمعه و شنبه را روزه دارد حقتعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال بنویسد
فصل در زیارت حضرت رسول صلعم و ائمه هدی علیهم السلام در همه اوقات از دور
و نزدیک مستحبست و اگر بعد از غسل باشد افضلست خصوصا در شب و روز جمعه
و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر بتفصیل ذکر کرده ام و درین مقام
بذکر چند زیارت بعید و زیارت جامعه و دعای ندبه و صلوات فرستادن
بر ایشان اکتفا مینمایم اما زیارت حضرت رسول صلعم از آنحضرت منقولست که خدا

را ملکی چند هست که میگردند در زمین و هر که از امت من بر من سلام میفرستند
بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که ملکی از ملائکه
از خدا سؤال نمود که هر چیزی که بندگان خدا گویند او بشنود و حقتعالی باو عطا
کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مؤمنان بگوید صَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ ابتدا آن ملک میگوید وعلیك السلام یعنی بر تو باد سلام پس آن ملک
میگوید یا رسول الله فلان شخص بر تو سلام رسانیده است پس حضرت میفرماید که
وعلیه السلام یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست
که حضرت رسول ص فرمود که هر که در هر جای زمین بر من سلام کند بمن میرسد و هر که
نزد من سلام کند من میشنوم و در حدیث از حضرمی منقولست که حضرت صادق ع مرا
فرمود که در مسجد رسول خدا بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود که همیشه ترا میسر نمیشود
که باین مکان شریف بیائی و فرمود که نزد قبر رسول میروی گفتم بلی فرمود که بدرستی
که سلام که از نزدیک میکنی آنحضرت میشنود و اگر دور باشی سلامت بآنحضرت
میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که بروید بمدینه و سلام کنید
بر رسول خدا ص هر چند صلوات مؤمنان در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد
و در حدیث صحیح منقولست که صلوات فرستید بر حضرت رسول ص در پهلوی قبر آنحضرت
هر چند صلوات مؤمنان هر جا که باشد بآنحضرت میرسد و این حدیث احتمال نماز هدیه
دارد که در نزدیک و دور نماز کند و ثوابش را هدیه روح مقدس آنحضرت کند و احادیث
بسیار است در باب صلوات و سلام بآنحضرت و زیارت آنحضرت در شهرهای دور بفرستند
صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا ع عرض کرد که بعد از نماز چگونه
صلوات و سلام بر حضرت رسول ص باید فرستاد فرمود که میگوئی اَلسَّلامُ عَلَیكَ

یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته السلام علیک یا محمد بن عبد الله السلام علیک
یا خیرة الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا صفوة الله
السلام علیک یا امین الله اشهد انک رسول الله واشهد انک محمد
بن عبد الله واشهد انک قد نصحت لامتک وجاهدت فی سبیل ربک
حتی اتاک الیقین فجزاک الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم
صل علی محمد وآل محمد افضل ما صلیت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید
مجید و در روایت معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که زیارت کند قبر
حضرت رسول ص و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام و
بر هاى حجتهاى خدا را و در شهر خود باشد پس غسل کند روز جمعه
و دو جامه نو پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرا پس چهار رکعت نماز با هر
سوره که میسر شود بکند پس بایستد رو بقبله و بگوید السلام علیک
ایها النبی ورحمة الله وبرکاته ایها النبی المرسل والوصی المرتضی
والسیدة الزهراء والسبطان المنتجبان والاولاد الاعلام والامناء
المنتجبون جئت انقطاعا الیکم والی آبائکم وولدکم الخلف علی برکة الحق
فقلبی لکم مسلم ونصرتی لکم معدة حتی یحکم الله لدینه فمعکم
معکم لا مع عدوکم انی لمن القائلین بفضلکم مقر برجعتکم انکر
لله قدرة قدرة ولا ازعم ما شاء الله سبحان الله سبحان الله ذی
الملک والملکوت یسبح الله باسمائه جمیع خلقه والسلام علی
ارواحکم واجسادکم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ایضا
در روایت دیگر وارد شده است که این زیارت را در بام خانه خود بکن

و زیارت حضرت فاطمه صلوات الله علیها سابقا مذکور شد واما زیارت
حضرت امام حسین ع بسندهای معتبر از سدیر صراف منقولست که حضرت گفت
صادق ع بمن که چه مانع است ترا از این که زیارت کنی قبر حضرت امام حسین ع
را در هفته پنج بار یا هر روزی یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من و انحضرت
فرسخهای بسیار است فرمود که بالا میروی ببام خانه خود پس ملتفت میشوی
بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بجانب اسمان بلند میکنی پس رو بجانب
قبر انحضرت میکردانی و میکوئی اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ تا نوشته
شود برای تو ثواب حجی و عمره سدیر گفت که بسیار است که من در روزی
زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از انحضرت منقولست
که هر که ناحیه اش بعید است از ما پس بالا رود ببام خانه خود و دو رکعت
نماز بکند و اشاره کند بسلام بسوی قبرهای ما که السلام بما میرسد و در
حدیث معتبر منقولست از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد بخدمت
حضرت صادق ع که چکونه ترا زیارت کنم هرکاه قادر بر آمدن بخدمت تو
نباشم فرمود که ای عیسی هرکاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل
بکن یا وضو بساز و بالا رو ببام خانه خود و دو رکعت نماز بکن و متوجه
شو بسوی من بدرستیکه هر که زیارت کند مرا در حیات من چنانست که مرا
زیارت کرده است بعد از موت من و کسی که زیارت کند بعد از موت
من چنانست که زیارت کرده است مرا در حیات من مؤلف کوید که این حدیث
دلالت میکند بر اینکه در این زمان حضرت صاحب الامر ع را در هر

مرضع

موضع زیارت توان کرد و اگر رو بسامره کند و در وقت زیارت بهتر است و بعضی
از زیارات مخصوصهٔ آنحضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و در حدیث معتبر دیگر
مرویست که حضرت صادق ع بسدیر فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن
علی را گفت از بسیاری شغل مقدور نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم
کنم که هرگاه یکی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود گفت بلی فدای
تو شوم فرمود که غسل بکن در خانه خود و بالا رو ببام خود و اشاره کن بجانب
آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت آنحضرت و در حدیث
معتبر دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق ع و نزد
آنحضرت جماعتی از اصحاب بودند فرمود که ای حنان زیارت امام حسین ع
میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه گفت در هر دو ماه یکمرتبه گفت نه گفت هر سال
یکمرتبه گفت فرمود که چه بسیار جفا کارید بر بابای خود گفتم یا ابن رسول الله
مانع من کمی توشه و دوری مسافت است فرمود که میخواهی شما را دلالت
کنم بر زیارتی که مقبول باشد هر چند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه
زیارت کنم یا ابن رسول الله فرمود که غسل کن در روز جمعه یا در هر روزی که
میخواهی و بپوش پاکیزه ترین جامهای خود را و بالا رو بر بلند ترین جاهای خانهٔ
خود یا بصحرای رو و بجانب قبر کن و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ
مَوْلایَ وَسَیِّدِی وَابْنَ سَیِّدِی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا قَتیلَ
ابْنَ الْقَتیلِ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَنَا زائِرُکَ یَا ابْنَ
رَسُولِ اللهِ بِقَلْبی وَلِسانی وَجَوارِحی وَاِنْ لَمْ اَزُرْکَ بِنَفْسی وَالْمُشاهَدَةِ
لِقُبَّتِکَ فَعَلَیْکَ السَّلامُ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ وَوارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ

وكلمته ووارث محمد حبيب الله ورسوله ووارث علي امير المؤمنين ووصي رسول
الله وخليفته ووارث الحسن بن علي ووصي امير المؤمنين لعن الله قاتليك وجدد
عليهم العذاب في هذه الساعة وفي كل ساعة انا يا سيدي متقربا الى
الله عز وجل والى جدك رسول الله والى ابيك امير المؤمنين والى اخيك
الحسن واليك يا مولاي عليك سلام الله ورحمة الله وبركاته بريء
لك بقلبي ولساني وجميع جوارحي فكن يا سيدي شفيعي لقبول ذلك
مني وانا بالبرائة من اعدائك واللعنة لهم وعليهم اتقرب بذلك الى
الله واليكم اجمعين فعليك صلوات الله ورضوانه ورحمته پس انكه
ميگردي بجانب چپ خود و ميگرداني بسوي قبر علي بن الحسين ع كه او نزد
پدر خود در پايين پاي مدفون است و سلامي ميكني بر او مثل اين سلام پس
دعا ميكني و ميطلبي حاجتهاي دنيا و اخرت خود را پس چهار ركعت نماز ميكني
كه نماز زيارت هشت ركعت است يا شش ركعت يا چهار ركعت يا دو ركعت و بهتر
هشت ركعت است پس رو ميكني بجانب قبر امام حسين ع ميگويي انا مودعك
يا مولاي وابن مولاي وسيدي وابن سيدي ومودعك يا سيدي
وابن سيدي يا علي بن الحسين ومودعكم يا ساداتي يا معشر الشهداء فعليكم
سلام الله ورحمة الله وبركاته ورضوانه مؤلف گويد كه چون عبارت اين
حديث تشويش و اضطرابي دارد چند احتمال دارد بهتر انست كه همين زيارت را
با وداع چنانچه رو بقبر شريف ميخوانند رو بقبله نيز بكند و بخواند تا انكه بهمه
احتمالات عمل كرده باشد و در زيارت علي بن الحسين بجاي يا وارث در
همه جا يا ابن وارث ميخوانند يا از وارث قصد وراثت و امامت و خلافت نكند

را

زیرا که آنحضرت امام نبوده است بنابراین حدیث وارد شده است باینکه از دور زیارت
کنند نماز زیارت را بعد از زیارت باید کرد و احادیث بیش دلالت کرد بر آنکه پیش
باید کرد و دور نیست که مخیر باشد و اگر این زیارت را کند بهمین نحو که وارد شده
است بکند و در حدیث معتبر از حسین بن ثویر منقولست که بخدمت حضرت صادق
ع عرض کردم که من بسیار حضرت امام حسین ع را زیارت میکنم در آنوقت چه بگویم
فرمود که سه مرتبه صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ یا اَبا عبدالله بگو که سلام بر آنحضرت میرسد
از دور و نزدیک و شیخ طوسی علیه الرحمه ذکر کرده است که زیارت میتوان
کرد ائمه علیهم السلام را از دور و نزدیک اما در جائی که اَتَیْتُکَ زائراً باشد
نگوید بلکه بگوید قَصَدْتُکَ بِقَلْبِی زائراً اِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِکَ وَوَجَّهْتُ
اِلَیْکَ سَلامِی لِعِلْمِی بِاَنَّهُ یَبْلُغُکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ فَاشْفَعْ لِی عِنْدَ رَبِّکَ
جَلَّ وَعَزَّ پس دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر علما روایت کرده اند از
ابو الحسن فارسی که گفت من بسیار بزیارت امام حسین ع میرفتم پس یک
چندی بسبب پیری و کهولت توفیق زیارت آنحضرت نیافتم پس شبی حضرت
رسول ص را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و حضرت امام حسین ع
گفت یا رسول الله این مرد بسیار زیارت من میکرد و اکنون ترک کرده است
حضرت رسول ص متوجه من گردید و فرمود که آیا ترک زیارت مثل حسین
میتوان کرد گفتم یا رسول الله پیری مرا مانع ادراک این سعادت گردیده است
حضرت فرمود هر شب بر بام خانه خود برو و بانگشت بسوی قبر آنحضرت اشاره
کن و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی جَدِّکَ وَاَبِیکَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی اُمِّکَ وَاَخِیکَ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِیکَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الدَّمْعَةِ السّاکِبَةِ

السلام عليك يا صاحب المصيبة الراتبة لقد اصبح كتاب الله فيك مهجورا ورسول الله
فيك موتورا السلام عليك ورحمة الله وبركاته السلام على انصار الله وخلفائه
السلام على امناء الله واحبائه السلام على محال معرفة الله ومعادن حكمة الله وحفظة سر الله
وحملة كتاب الله واوصياء نبي الله وذرية رسول الله ص ورحمة الله وبركاته واز جمله زيارات كه اند در متواتر كرده

شيخ طوسى رحمه الله بسند معتبر روايت كرده است كه عبد الله بن محمد گفت كه من سؤال
كردم از حضرت امام حسن عسكرى عليه السلام كه املا نمايد بر من كيفيت صلوات
فرستادن بر حضرت رسول ص و آله و اوصياى آنحضرت سلام الله عليهم را و با خود
حاضر كرده بودم كاغذ بزرگى را پس بر من املا فرمود بى آنكه از كتابى املا كند
باین نحو اللهم صل على محمد وآل محمد كما حمل وحيك وبلغ رسالاتك وصل
على محمد وآل محمد كما احل حلالك وحرم حرامك وعلم كتابك وصل على محمد و
آل محمد كما اقام الصلوة وادى الزكوة ودعا الى دينك وصل على محمد وآل
محمد كما صدق بوعدك واشفق من وعيدك وصل على محمد وآل محمد كما غفرت
به الذنوب وسترت به العيوب وفرجت به الكروب وصل على محمد وآل محمد
كما دفعت به الشقاء وكشفت به الغماء واجبت به الدعاء ونجيت به من البلاء
وصل على محمد وآل محمد كما رحمت به العباد واحييت به البلاد وقصمت به
الجبابرة واهلكت به الفراعنة وصل على محمد وآل محمد كما اضعفت به الاموال
وحذرت به من الاهوال وكسرت به الاصنام ورحمت به الانام وصل
على محمد وآل محمد كما بعثته بخير الاديان واعززت به الايمان وتبرت به الاوثان
وعظمت به البيت الحرام وصل على محمد وآل محمد واهل بيته الطاهرين الاخيار
وسلم تسليما اللهم صل على امير المؤمنين علي بن ابي طالب اخي نبيك ووليه

ووزيره ومستودع علمه وموضع سرّه وباب حكمته والناطق بحجّته والداعي
الى شريعته وخليفته في امّته ومفرّج الكرب عن وجهه وقاصم الكفرة و
مرغم الفجرة الذي جعلته من نبيّك بمنزلة هرون من موسى اللهمّ وال من والاه
وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله والعن من نصب له من
الاوّلين والآخرين وصلّ عليه افضل ما صلّيت على احد من اوصياء انبيائك
يا ربّ العالمين اللهمّ صلّ على الصدّيقة فاطمة الزكيّة حبيبة حبيبك ونبيّك
وامّ احبّائك واصفيائك التي انتجبتها وفضّلتها واخترتها على نساء العالمين
اللهمّ كن الطالب لها ممّن ظلمها واستخفّ بحقّها وكن الثائر اللهمّ بدم اولادها
اللهمّ وكما جعلتها امّ ائمّة الهدى وحليلة صاحب اللواء والكريمة عند الملأ
الاعلى فصلّ عليها وعلى امّها صلوة تكرم بها وجه ابيها محمّد صلّى الله عليه واله و
تقرّ بها اعين ذرّيّتها وابلغهم عنّي في هذه الساعة افضل التحيّة والسلام اللهمّ
صلّ على الحسن والحسين عبديك ووليّيك وابني رسولك وسبطي الرحمة
وسيّدي شباب اهل الجنّة افضل ما صلّيت على من اولاد النبيّين والمرسلين
ووصيّ امير المؤمنين السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيّد
الوصيّين اشهد انّك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت مظلوما
ومضيت شهيدا واشهد انّك الامام الزكيّ الهادي المهديّ اللهمّ صلّ عليه
وبلّغ روحه وجسده عنّي في هذه الساعة افضل التحيّة والسلام اللهمّ
صلّ على الحسين بن عليّ المظلوم الشهيد قتيل الكفرة وطريح الفجرة السلام
عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن
امير المؤمنين اشهد موقنا انّك امين الله وابن امينه قتلت مظلوما

ومضيت شهيدا واشهد ان الله تعالى الطالب بثارك ومنجز ما وعدك من
النصر والتاييد في هلاك عدوك واظهار دعوتك واشهد انك وفيت
بعهد الله وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله مخلصا حتى اتيك اليقين
لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة خذلتك ولعن الله امة البت عليك
وابرء الى الله تعالى ممن اكذبك واستخف بحقك واستحل دمك بابي انت و
امي يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك ولعن الله خاذلك ولعن الله من سمع
واعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن الله من سبا نساءك انا الى الله منهم
بريء وممن والاهم ومالاهم واعانهم عليه اشهد انك والائمة من ولدك
كلمة التقوى وباب الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد
اني بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات نفسي وشرايع ديني وخواتيم
عملي ومنقلبي في دنياي واخرتي اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين
الذي استخلصته لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون بالحق و
به يعدلون الذي اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته وجعلته هاديا
مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت على احد من ذرية انبيائك حتى تبلغ
به ما تقر به عينه في الدنيا والاخرة انك عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن
علي باقر العلم وامام الهدى وقائد اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم
وكما جعلته علما لعبادك ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك
وامرت بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب افضل ما صليت
على احد من ذريته انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك يا رب العالمين
اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعي اليك بالحق النور

البين

المبين اللهم وكما جعلته معدن كلامك ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك
وولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما صليت على احد من ذريته
اصفيائك وحججك انك حميد مجيد اللهم وكما بلغ عن آبائه ما استودع من
امرك ونهيك وصل على الامين المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر
الزكي النور المبين المجتهد المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما بلغ
عن آبائه ما استودع من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكما بدا اهل الغرة
والشدة فيما كان يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل واكمل ما صليت
على احد ممن اطاعك ونصح عبادك انك غفور رحيم اللهم صل على علي بن موسى
الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته حجة على
خلقك وقائما بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على عبادك وكما نصح لهم في السر
والعلانية ودعا الى سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصل عليه افضل
ما صليت على احد من اوليائك وخيرتك من خلقك انك جواد كريم اللهم
صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى ونور الهدى ومعدن الوفاء وفرع
الازكياء وخليفة الاوصياء وامينك على وحيك اللهم وكما هديت به من
الضلالة واستنقذت به من الحيرة وارشدت به من اهتدى وزكيت به من
تزكى فصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وبقية اوصيائك
انك عزيز حكيم اللهم صل على علي بن محمد وصي الاوصياء وامام الاتقياء و
خلف ائمة الدين والحجة على الخلائق اجمعين اللهم كما جعلته نورا يستضيء
به المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك وانذر بالاليم من عقابك وحذر بأسك
وذكر بآياتك واحل حلالك وحرم حرامك وبين شرايعك وفرايضك وحض

عَلیٰ عِبٰادِکَ وَاَمَرَ بِطٰاعَتِکَ وَنَهیٰ عَنْ مَعْصِیَتِکَ فَصَلِّ عَلَیْهِ اَفْضَلَ مٰا صَلَّیْتَ
عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ اَوْلِیٰآئِکَ وَذُرِّیَّةِ اَنْبِیٰآئِکَ یٰا اِلٰهَ الْعٰالَمِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی
الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَرِّ التَّقِیِّ الصّٰادِقِ الْوَفِیِّ النُّورِ الْمُضِیٓءِ خٰازِنِ عِلْمِکَ وَالْمُذَکِّرِ
بِتَوْحِیدِکَ وَوَلِیِّ اَمْرِکَ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّینِ الْهُدٰاةِ الرّٰاشِدِینَ وَالْحُجَّةِ عَلیٰ
اَهْلِ الدُّنْیٰا فَصَلِّ عَلَیْهِ اَفْضَلَ مٰا صَلَّیْتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ اَصْفِیٰآئِکَ وَحُجَجِکَ وَ
اَوْلٰادِ رُسُلِکَ یٰا اِلٰهَ الْعٰالَمِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ وَلِیِّکَ وَابْنِ اَوْلِیٰآئِکَ الَّذِینَ
فَرَضْتَ طٰاعَتَهُمْ وَاَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیرًا
اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِینِکَ وَانْصُرْ بِهِ اَوْلِیٰآئَکَ وَاَوْلِیٰآئَهُ وَشِیعَتَهُ
وَاَنْصٰارَهُ وَاجْعَلْنٰا مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ کُلِّ بٰاغٍ وَطٰاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِیعِ
خَلْقِکَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ یَمِینِهِ وَعَنْ شِمٰالِهِ وَاحْرُسْهُ
وَامْنَعْهُ مِنْ اَنْ یُوصَلَ اِلَیْهِ بِسُوٓءٍ وَاحْفَظْ فِیهِ رَسُولَکَ وَآلَ رَسُولِکَ
وَاَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَاَیِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ نٰاصِرِیهِ وَاخْذُلْ خٰاذِلِیهِ وَاجْبُرْ
بِهِ جَبٰابِرَةَ الْکَفَرَةِ وَاقْتُلْ بِهِ الْکُفّٰارَ وَالْمُنٰافِقِینَ وَجَمِیعَ الْمُلْحِدِینَ حَیْثُ کٰانُوا
مِنْ مَشٰارِقِ الْاَرْضِ وَمَغٰارِبِهٰا بَرِّهٰا وَبَحْرِهٰا وَامْلَاْ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلًا
وَاَظْهِرْ بِهِ دِینَ نَبِیِّکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلٰامُ وَاجْعَلْنِی اَللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصٰارِهِ وَاَعْوٰانِهِ
وَاَتْبٰاعِهِ وَشِیعَتِهِ وَاَرِنِی فِی آلِ مُحَمَّدٍ مٰا یَاْمُلُونَ وَفِی عَدُوِّهِمْ مٰا یَحْذَرُونَ
اِلٰهَ الْحَقِّ آمِینَ فصل در بیان نمازهای واجبست که مخصوص ماهی و روزی
نیست و نمازهای سنت که اختصاص بوقتی ندارد و اعمالی که بغیر ماه عربی تعلق
دارند و دران هشت فصل است فصل اول در بیان نماز آیاتست بدانکه این نماز
واجب است نزد کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعض و در زلزله

کہ زمین بلرزد و مشہور انست کہ هر ایتی کہ ازجانب آسمان حادث شود کہ موجب
خوف غالب کردد این نماز واجب میشود مانند بادهای بسیار شدید کہ برخلاف
عادت باشد خواه رنکین باشد وخواه نباشد وصاعقهای عظیم وبادهای
بسیار شدید وتاریك شدن هوا وامثال انها واین قول اقواست وکیفیت
این نماز آنست کہ قصد کند کہ نماز افتاب کرفتن یاماه کرفت یا زلزله یا آیات میکنم
ادا ازجهة انکه واجبست برای رضای خدا قربة الی الله پس تکبیرة الاحرام بکوید
وحمد ویکسوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد وسنتست کہ در سر برداشتن
الله اکبر بکوید پس حمد وسوره بخواند پس رکوع کند تا انکه پنج رکوع بعمل آورد
واز رکوع پنجم کہ سر بردارد سمع الله لمن حمده بکوید واکر در رکوع اول بعد ازان
بسجود رود ودو سجده بجا آورد پس برخیزد ویکرکعت دیکر بجا آورد بدستور رکعت
اولی ودر سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سمع الله لمن حمده بکوید واکر در
رکوع اول بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند وبرکوع رود وبعد از سر برداشتن
باقی سوره را بخواند اعاده حمد نمیکند واکر سوره کہ پنج ایه باشد تفریق کند بر
رکوعها بیك حمد کہ در رکوع اول خوانده اکتفا میکند وهم چنین در رکعت دوم
بیك حمد وسوره چنین کہ تفریق کند اکتفا میتواند کرد وبهتر انست کہ بطریق اول
بکند وبعد حمد وبعد سوره بجا آورد اکر وقت تنك نباشد واول وقت نماز
خسوف وکسوف ابتدای کرفتن است واخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی
شدنست واظهر نزد فقیر وجمعی از محققین انست کہ تا تمام منجلی نشود وقتش
باقیست ونماز زلزله وایات کہ وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور در تمام عمر
اداست واکر کسی ترك کند نماز مذکور را باحدوث یکی از اسباب مذکوره

مشهور میان علما انست که قضا میکند این نماز را مطلقا وجمعی گفته اند که بر
ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست ما دامیکه تمام قرص نگرفته باشد وعمل بمشهور
احوطست واگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب انست که قضای
خسوفین واجب نیست مگر انکه تمام قرص گرفته باشد وجمعی گفته اند واجبست
قضا مطلقا وقول اول اقواست وثانی احوطست ومستحبست که این نماز را بجماعت
بکند وطول بدهند بقدر زمان کسوف وخسوف وهرگاه از نماز فارغ شوند
وانجلا نشده باشد بهتر واشهر واقوی انست که اعادهٔ نماز مستحبست وبعضی
واجب دانسته اند ومستحبست خواندن سورههای طولانی با وسعت وقت
وبرابر ساختن رکوع وسجود با قرائت ومستحبست قنوت خواندن پیش از
رکوع دوم وچهارم وششم وهشتم ودهم واگر در ایام زلزله مکرر این ایه را بخواند
مناسبست اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ
اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ كَانَ حَلِيْمًا غَفُوْرًا واز حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که هر که در وقت خواب این ایه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود فصل
دوم در نماز استسقاست یعنی نماز طلب باران در وقتی که باران کم آید وآب
چشمها وچاهها کم شود وکیفیت این نماز مثل نماز عیداست که سابقا مذکور شد
وبجماعت باید کرد ودر قنوتها بیش طلب رحمت واستغفار از گناهان وطلب
باران باید کرد وبهترین دعاها دعای نوزدهم صحیفهٔ کامله است واگر گفته اند
وقتش میان طلوع افتابست تا زوال وباید امام امر کند مردم را که سه روز روزه
بگیرند وروز سیم ایشان را بیرون برد وبهتر انست که روز سیم جمعه باشد یا دوشنبه
وبصحرا بیرون روند پای برهنه با سکینه ووقار ومؤذنان عصاها بدست گرفته

بیرون

۲۹۳ پیش روی امام بروند وچون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا بگرداند
بآنکه جانب راست را بجانب چپ آورد وجانب چپ را بجانب راست آورد پس رو بقبله
کند وباواز بلند صد مرتبه بگوید الله اکبر وبجانب راست بگردد وصد مرتبه بگوید
سبحان الله پس بجانب چپ بگردد وصد مرتبه بگوید لا اله الا الله پس رو بمردم
کند وصد مرتبه الحمد لله بگوید وگفته اند که مردم در ذکرها موافقت کنند پس دو
خطبه بخواند ومبالغه کند در استغفار ودعای طلب رحمت وخطبهای منقول
بهتر است ودور نیست که اگر آن ذکرها را بعد از خطبه بخواند نیز خوب باشد
فصل سوم در بیان نماز حضرت رسول صلی الله علیه وآله است سید بن طاوس
قدس الله روحه بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است
که از آنحضرت سؤال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چه غافلی از نماز حضرت
رسول صلی الله علیه وآله شاید حضرت رسول صلی الله علیه وآله نماز جعفر را نکرده
باشد وشاید جعفر نماز آنحضرت را کرده باشد راوی گفت پس آن نماز را تعلیم کن بمن
حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی ودر هر رکعت یکمرتبه فاتحه وپانزده مرتبه سورهٔ
انا انزلناه میخوانی پس در رکوع وبعد از سر برداشتن در سجده اول وسر برداشتن
ودر سجده دوم وسر برداشتن هر یک پانزده مرتبه سورهٔ قدر را میخوانی پس تشهد
میخوانی وسلام میگوئی وچون فارغ شوی میان تو وخدا گناهی نماند مگر
آنکه آمرزیده شوی وهر حاجت که بطلبی رواست وبعد از آن این دعا بخواند
لا اله الا الله ربنا ورب آبائنا الاولین لا اله الا الله الها واحدا
ونحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین
ولو کره المشرکون لا اله الا الله وحده وحده وحده انجز وعده ونصر

عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ
قِيَامُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ
وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَاِنْجَازُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ
اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَاِلَيْكَ حَاكَمْتُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَاَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ اَنْتَ اِلٰهِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
مؤلف گوید که این نمازها نمازهای مشهور است و عامه و خاصه در کتب خود ذکر
کرده اند و بعضی اینها را از نمازهای مشهوره روز جمعه شمرده اند و از روایات اختصاص
معلوم نمیشود و ظاهرا در سایر ایام توان کرد فصل چهارم در بیان نماز حضرت
امیر المؤمنین ع است ابن بابویه و عیاشی و شیخ و دیگران رضی الله عنهم بسندهای
صحیح و حسن بصری و معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام ذکر کرده اند که هر که
چهار رکعت نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه پنجاه مرتبه
سوره قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند
مگر آنکه آمرزیده شود و سید و شیخ از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که
چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را بجا آورد از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده بود و حاجتهای او برآورده شود در هر
رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و چون فارغ شود این
دعا را بخواند که تسبیح آنحضرت است سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا
تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ

ط ٦٩

سبحان من لا انقطاع لمدّته سبحان من لا يشارك احدا في امره سبحان
من لا اله غيره يس ايدعا را بخواند يا من عفى عن السيّئات ولم يجازبها
ارحم عبدك يا الله يا الله نفسي نفسي انا عبدك يا سيّداه انا عبدك بين يديك
يا ربّاه بك الهي بكينونتك يا املاه يا رحمناه يا غياثاه عبدك عبدك لا حيلة
له يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروق عبدك يا سيّداه يا ملكاه ايا هو
ايا هو ايا هو يا ربّاه عبدك لا حيلة لي ولا غنى بي عن نفسي ولا استطيع لها
ضرّا ولا نفعا ولا اجد من اصانعه تقطّعت اسباب الخدايع عنّي واضمحلّ
كلّ مظنون عنّي افردني الدهر اليك نفعت بين يديك هذا المقام يا الهي هذا
بعلمك هذا كلّه فكيف انت صانع بي وليت شعري كيف تقول لدعائي اتقول
نعم ام تقول لا فان قلت لا فيا ويلي يا ويلي يا ويلي يا عولي يا عولي يا عولي
يا شقوتي يا شقوتي يا شقوتي يا ذلّي يا ذلّي يا ذلّي الى من وممّن او عند
من او كيف او ماذا او الى اي شيء الجأ ومن ارجو ومن يجود عليّ بفضله
حين ترفضني يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما هو الظنّ بك والرجاء لك
فطوبى لي انا السعيد وانا المسعود فطوبى لي وانا المرحوم يا مترحّم يا مترئّف
يا متعطّف يا متجبّر يا متملّك يا مقسط لا عمل لي مع نجاح حاجتي اسئلك باسمك
الذي جعلته في مكنون غيبك واستقرّ عندك فلا يخرج منك الى شيء سواك
اللهمّ به وبك بك وبه فانّه اجلّ واشرف اسمائك لا شيء لي غير هذا ولا
احد اعود عليّ منك يا كينون يا مكوّن يا من عرّفني نفسه يا من امرني بطاعته
يا من نهاني عن معصيته ويا مدعوّ ويا مسئول يا مطلوبا اليه رفضت و
صيّتك التي وصيّتني بها ولم اطعك ولو اطعتك فيما امرتني لكفيتني ما قمت

الیک فیه و انا مع معصیتی لک راجٍ فلا تحل بینی و بین ما رجوت یا مترحّم
لی من بین یدیّ و من خلفی و من فوقی و من تحتی و من کل جهات الاحاطة
بی اللهم بمحمدٍ سیدی و بعلیٍ ولیّی و بالائمة الراشدین علیهم السلام
اجعل علینا صلواتک و رأفتک و رحمتک و اوسع علینا من رزقک و اقض
عنا الدین و جمیع حوائجنا یا الله یا الله یا الله انک علی کل شیٔ قدیر پس حضرت
فرمود که هر که این نماز را بکند و این دعا را بخواند هیچ گناهی میان او و خدا نماند مگر آنکه
آمرزیده شود فصل پنجم در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه است سید بن
طاوس قدس سره بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که فرمود مادرم
حضرت فاطمه ع دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل ع تعلیم او کرده بود در رکعت اول
بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم صد مرتبه سوره توحید میخواند و
چون سلام میگفت این دعا میخواند سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی
الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان من لبس البهجة
و الجمال سبحان من تردّی بالنور و الوقار سبحان من یری اثر النمل فی الصفا
سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره سید
گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور
حضرت فاطمه است که بعد از هر نماز خوانده میشود بخوانند و بعد از آن صد مرتبه
صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و شیخ رحمه الله در مصباح این نماز را مرسل روایت
کرده است و گفته است که چون سلام بگوئی تسبیح فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان
یعنی دعائی که پیش مذکور شد پس گفته است که سزاوار است برای کسی که این نماز را
بکند و از این دعا فارغ شود زانوها و ذراعها خود را برهنه کند و بسجده برود و جمیع

مساجد سبعه را بجای برساند که جامه در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجات خود را
از خدا طلب نماید و در سجده این دعا بخواند یَا مَنْ لَیْسَ غَیْرُهُ رَبٌّ یُدْعَی یَا مَنْ لَیْسَ فَوْقَهُ
اِلٰهٌ یُخْشَی یَا مَنْ لَیْسَ دُونَهُ مَلِکٌ یُتَّقَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ وَزِیرٌ یُؤْتَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ
حَاجِبٌ یُرْشَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ بَوَّابٌ یُغْشَی یَا مَنْ لَا یَزْدَادُ عَلَی کَثْرَةِ السُّؤَالِ اِلَّا کَرَمًا
وَجُودًا وَعَلَی کَثْرَةِ الذُّنُوبِ اِلَّا عَفْوًا وَصَفْحًا صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی
کَذَا وَکَذَا پس حاجتهای خود را یاد کن فصل ششم در بیان فضیلت و کیفیت و احکام
نماز جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواتره است و عامه و خاصه بسندهای
بسیار معتبر روایت کرده اند و مخالفان نیز این نماز را مستحب میدانند مگو نادری
از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صلعم نسبت داده اند و بغدادیان
نماز تسبیح می‌گویند[?] شبانروزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب باین نمیرسد و بسند معتبر از
حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که چون جعفر طیار برادر حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بر
دست امیر المؤمنین علیه السلام شده بود حضرت رسول صلی الله علیه و آله بقدر
مسافت یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر طیار نظرش بر جمال عدیم
المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت او را در بر گرفت و دست
در گردن او آورد و ساعتی با او در سخن گفتن مشغول بود پس بر ناقه عضبا سوار شد
و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود که ای جعفر برادر میخواهی
بخشش بزرگی کنم نسبت بتو میخواهی عطیه گران بهائی بدهم میخواهی ترا بر گزینم مردمان
گمان کردند که مال جزیل از غنایم خیبر باو عطا خواهد کرد جعفر گفت بلی بده و صادر هم فدای

تو باد پس حضرت نماز تسبیح را با و تعلیم نمود حضرت صادق ع فرمود که صفتش
اینست که این چهار رکعات است بدو تشهد و بدو سلام در رکعت اول بعد از حمد
سورهٔ اذا زلزلت میخواند و در رکعت دوم سورهٔ وَالْعَادِيَات و در رکعت سیم اذا
جاءَ نصر الله و در رکعت چهارم سورهٔ قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت
پانزده مرتبه میگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَر و در رکوع
همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از رکوع برمیدارد ده مرتبه و در سجدهٔ اول
ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجدهٔ دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن
پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه و در چهار رکعت چنین میکند که مجموع سیصد مرتبه
شود که هزار و دویست تسبیح بوده باشد و بروایت معتبره دیگر حضرت رسول ص
فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و هر چه در آن هست و اگر
هر دو روز یکبار بکنی گناهانی که در میان این دو روز و این دو نماز کرده
آمرزیده شود و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماه یکمرتبه بکنی یا در سالی یکمرتبه
بکنی هر گناهی که در میان این دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایت دیگر اگر
بعدد کف دریاها و بعدد ریگ بیابان گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جنگ
گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا ترا بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی
هر روز بکن و اگر نتوانی هفته‌ای یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی
یکبار و اگر نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره و تازه و کهنه
و عمد و خطای ترا بیامرزد وارد دعاهائی که در این نماز مستحب است کلینی بسند
معتبر روایت کرده است از امام جعفر صادق علیه السلام که در سجده آخر نماز
جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ

٢٩٧

من تعطف بالمجد وتكرم به سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له سبحان من لا
حصى كل شیء علمه سبحان ذي المن والنعم سبحان ذي القدرة والامر اللهم
اني اسئلك بمعاقد العز عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك واسمك الاعظم
وكلماتك التامة التي تمت صدقا وعدلا صل على محمد واهل بيته پس حاجات
خودرا ذکر کند وشیخ در مصباح این دعارا روایت کرده است با این زیادتی
سبحان ذي القدرة والكرم سبحان ذي العزة والفضل سبحان ذي القوة و
الفضل الطول اللهم اني اسئلك تا آخر وثانيا شیخ وسید از مفضل بن عمر
روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق ع نماز جعفر را
بجای آورد پس این دعارا خواندند یا رب یا رب بقدر یکنفس وفا کند یا رباه
یا رباه بقدر یکنفس رب رب بقدر یکنفس یا الله یا الله بقدر یکنفس یا رحیم
یا رحیم بقدر یکنفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا ارحم الراحمین هفت مرتبه
پس این دعارا خواندند اللهم اني افتتح القول بحمدك وانطق بالثناء عليك
وامجدك ولا غاية لمدحك واثني عليك ومن يبلغ غاية ثنائك وامد
مجدك واني لخليقتك كنه معرفة مجدك واي زمن لم تكن ممدا بفضلك
موصوفا بمجدك عوادا على المذنبين بحلمك تخلف سكان ارضك عن طاعتك
فكنت عليهم عطوفا بجودك جوادا بفضلك عوادا بكرمك يا لا اله الا انت
المنان ذو الجلال والاكرام پس حضرت فرمود که ای مفضل هرگاه ترا حاجت ضروری
بوده باشد نماز جعفر را بکن واین دعارا بخوان وحوائج خودرا از خدا طلب کن که
برآورده است انشاء الله تعالی دعای دیگر بعد از این نماز بروایت شیخ وسید رحمة
الله عليهما سبحان من لبس العز وتردى به سبحان من تعطف بالمجد وتكرم به

سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له جل جلاله سبحان من احصى كل شيء علمه
وخلقه بقدرته سبحان ذا المن والنعم سبحان ذي القدرة والكرم اللهم اني
اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم
وكلماتك التامات التي تمت صدقا وعدلا ان تصلي على محمد وال محمد الطيبين
الطاهرين وان تجمع لي خير الدنيا والاخرة بعد عمر طويل اللهم انت الحي القيوم
العلي العظيم الخالق الرازق المحي المميت البدئ البديع لك الكرم ولك المجد
ولك المن ولك الجود ولك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا احد
يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى
ويا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفو يا غفور يا ودود يا شكور انت
ابر بي من ابي وامي وارحم بي من نفسي ومن الناس اجمعين يا كريم يا جواد
اللهم اني صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك
ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهم فصل على محمد وال
محمد وارفعها في عليين وتقبلها مني واجعل نائلك ومعروفك ورجاءما اتى
منك فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت من انواع النعيم ومن
حسن حور العين واجعل جائزتي منك العتق من النار وغفران ذنوبي وذنوب
والدي وما ولدا وجميع اخواني واخوات المؤمنين والمؤمنات والمسلمين
والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تستجيب دعائي وترحم صوتي
ونداي ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني منجحا مفلحا مرحوما مستجابا دعائي
مغفورا لي يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب من عبدك
فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة

یا نفّاحاً بالخیرات یا معطی المسئولات یا فکّاک الرّقاب من النّار صلّ علی محمّد وآل
محمّد وفکّ رقبتی من النّار واعطنی سؤلی واستجب دعائی وارحم صرختی وتضرّعی
وندائی واقض لی حوائجی کلّها لدنیای وآخرتی ودینی ما ذکرت منها وما لم
اذکر واجعل لی فی ذلک الخیرة ولا تردّنی خائباً خاسراً واقلبنی مفلحاً منجحاً
مستجاباً لی دعائی مغفوراً لی مرحوماً یا ارحم الرّاحمین یا محمّد یا ابا القاسم
یا رسول الله یا امیر المؤمنین انا عبدکما ومولاکما غیر مستنکف ولا مستکبر بل
خاضع ذلیل عبد مقرّ متمسّک بحبلکما معتصم من ذنوبی بولایتکما اتقرّب الی
الله بکما واتوسّل الی الله بکما واقدّمکما بین یدی حوائجی الی الله جلّ وعزّ
فاشفعا لی فی فکاک رقبتی من النّار وغفران ذنوبی واجابة دعائی اللهمّ
فصلّ علی محمّد وآله وتقبّل دعائی واغفر لی یا ارحم الرّاحمین وامّا احکام این
را در چند مقصد ایراد مینمائیم اوّل بدانکه مشهور میان علما آنست که نماز جعفر
را بجای نوافل شبانروزی میتوان کرد که بهر دو حساب شود وهمچنین به نیّت قضای
نافله میتوان کرد واحادیث بر این مضامین وارد شده است وبعضی تجویز کرده اند
که نماز فریضه ادا وقضا بکیفیّت نماز جعفر بکنند خالی از قوّتی نیست ولیکن احوط
ترک است دوم روایات واقع شده واکثر علما گفته اند که کسی که ضرورتی وتعجیلی داشته
باشد میتواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد وتسبیحات را در راه بخواند سوم
حدیث صحیح وارد شده است که کسی که دو رکعت نماز جعفر را بکند واورا امر ضروری
رو دهد میتواند بی انکار برود ودو رکعت دیگر وقت دیگر بکند واگر بدون
عذر چنین کند نکند وهمه را با هم بکند بهتر است چهارم روایت معتبری از حضرت
قائم آل محمّد علیه السّلام است که کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند

هر وقت که بخاطرش آید بخواند و از علما کسی متعرض این حکم نشده است و اگر باین روایت عمل کند ظاهرا بد نباشد پنجم خلافست در تعیین سورها که مستحبست که در این نماز خوانده شود مشهور انست که در رکعت اول اذا زلزلت و در دوم والعادیات و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیح وارد شده است که هر سوره که خواهد بخواند و ابن بابویه گفته است که همه را با سوره توحید میتوان کرد و ظاهرا همه خوبست اگرچه اول و سیم افضل است ششم مشهور انست که تسبیحات بعد از سجده دوم رکعت اول و سیم را نشسته میخوانند و بعضی گفته اند بعد از برخواستن برکعت دیگر پیش از قرائت میخواند و عمل بمشهور اولی است هفتم بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکند و اشهر و اقوی دو سلام است چنانچه گذشت هشتم مشهور میان علما انست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از قرائت میباید خواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قایل شده که مخیر است میان آنکه پیش از قرائت بخواند یا بعد از قرائت و عمل بمشهور اقوی است و اولی فصل هفتم در بیان فضیلت و اعمال روز نوروز است بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار هست بعضی گفته اند دهم آذار است از ماههای رومی و بعضی گفته اند نهم شباطست مشهور انست که اول انتقال شمس است ببرج حمل چنانچه در این ازمنه معمولست و این مطلب را در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده ام و این رساله گنجایش ذکر انها را ندارد و بگمان فقیر همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقرب بصواب و اضبط است بجناب اگر بنای اعمال را بر این بگذارند ظاهرا بد نیست و اما فضایل و اعمال این روز باسانید معتبر از معلی بن خنیس که از خواص اصحاب

حضرت

حضرت صادق ع بوده است منقولست که گفت در روز نوروز بخدمت حضرت
امام جعفر صادق ع رفتم فرمود که آیا میشناسی این روز را گفتم فدای تو شوم این
روزیست که عجم این روز را تعظیم میکنند و در این روز تحفها و هدیها برای یکدیگر
میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که در مکه معظم است
که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم از تو تا بفهمی او را گفتم
ای سید و آقای من دانستن اینرا ببرکت شما محبوبتر است نزد من از آنکه مرده‌گان
من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستی که روز
نوروز روزیست که حق سبحانه و تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح
ایشان در روزی که او را بیگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی
و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نکردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و
حجتهای او بر خلق خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین و این اول روزیست که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادهای آبستن
کننده کان درختان وزیده است و گلها و شکوفه‌های زمین آفریده شده است و در
این روز کشتی نوح ع بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفت است و این روزیست
که حقتعالی حیوة بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و بیک
دفعه خداوند جبار تمام همه را میرانید پس بعد از مدتها که استخوان شده بودند
پیغمبری از پیغمبران خدا بر آن استخوانها گذشت و از پروردگار خود سؤال کرد که
با و بنماید که چگونه این استخوانها را زنده میکرداند پس حقتعالی وحی فرستاد بسوی
او که آب بریزید بر استخوانهای ایشان در همانجای خود که هستید پس چنین کردند
همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس و عجم است و باین سبب سنت

شد که در این روز آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حقتعالی
در قرآن مجید اشاره باین قصه نموده است در آنجا که فرموده است اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذِیْنَ
خَرَجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَهُمْ اُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللهُ مُوتُوا ثُمَّ اَحْیَاهُمْ
و مفسران گفته اند که این پیغمبر حضرت حزقیل علیه السلام بود و حضرت فرموده
که ایشان سی هزار کس بودند و فرمودند که در این روز جبرئیل ع بر حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله بوحی نازل شد یعنی نوروز موافق روز مبعث
بوده که بیست و هفتم ماه مبارک رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت
ابراهیم علیه السلام در این روز بتهای کافران شکست و اول اشاره است بآنکه
سنی و شیعه روایت کرده اند بطرق بسیار که شبی حضرت رسالت ص حضرت
امیر المومنین ع را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش
آنحضرت بالا رفت و بتهای کافران را بزیر آورد و شکست پس مراد اینست که در شب
این روز بود و فرمود که در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله امر کرد
اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر المومنین ع و اقرار کنند که او پادشاه مومنانست
یعنی روز غدیر این روز بوده یا آن روزیکه سرکردهای صحابه را گفت که بروید
و بر علی سلام کنید و بگوئید اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ این روز بوده
و فرمود که در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر را فرستاد
بوادی جنیان که از ایشان بیعت برای او بگیرد و فرمود که در این روز حق خلافت
بامیر المومنین ع برگشت و بار دیگر بعد از کشتن عثمان علیه اللعنة با آنحضرت
بیعت کردند و در این روز حضرت امیر المومنین با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر

ایشان ظفر یافت وسرکردهٔ ایشان اکرز والشیر میکفتند کشت ودراین روز قائم آل
محمد عم ظاهر خواهد شد ودراین روز امامان دیکر بدنیا رجعت خواهند کرد و
دراین روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دجال ودر کناسه که محلیست از محلهای کوفه
اورا بردار خواهد کشید ودرهیچ روز نوروزی نیست مکر انکه ما انتظار فرج
میکشیم زیرا که آن از روزهای ما وروزهای شیعیان ماست آنروز را عجمان حفظ
کردند وحرمت انرا رعایت کردند وشما عربان انرا ضایع کردید پس حضرت فرمود
بمعلی که چون روز نوروز شود غسل بکن وپاکیزه ترین جامهای خودرا بپوش
وبهترین بوها خوشبو کن ودران روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین
وپسین ونافلهای آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بکذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام
در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان ودر دوم بعد از حمد
ده مرتبه سورهٔ قل یا ایها الکافرون ودر رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ
قل هو الله احد ودر رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل اعوذ برب الفلق
وقل اعوذ برب الناس بخوان وبعد از نماز بسجدهٔ شکر برو واین دعارا بخوان
اللهم صل علی محمد وآل محمد الاوصیاء المرضیین وعلی جمیع انبیائک ورسلک
بافضل صلواتک وبارک علیهم بافضل برکاتک وصل علی ارواحهم واجسادهم
اللهم صل علی محمد وآل محمد وبارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلته وکرمته
وشرفته وعظمت خطره اللهم بارک لی فیما انعمت به علی حتی لا اشکر
احدا غیرک ووسع علی فی رزقی یا ذا الجلال والاکرام اللهم ما غاب عنی فلا
یغیبن عنی عونک وحفظک وما فقدت من شیء فلا تفقدنی عونک علیه
حتی لا اتکلف ما لا احتاج الیه یا ذا الجلال والاکرام حرز چنین کتی ازکتا

بنجاه سال دیگر عمر زیاده شود و بسیار بگو یا ذا الجلال و الاکرام و در غیر کتب مشهور
روایت کرده اند که در وقت تحویل این دعا را بسیار بخوانند و بعضی گفته اند سیصد
و شصت و شش مرتبه یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال و بروایت
دیگر یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال
حول حالنا الی احسن الحال ایضا بعضی روایت کرده اند که این دعا را نیز در
روز نوروز بعدد ایام سال بخوانند اللهم هذه سنة جدیدة و انت ملک قدیم
اسئلک خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها و استکفیک مؤنتها
و شغلها یا ذا الجلال و الاکرام اگرچه منعی در دعا نیست اما آن دعای که اخوند
هرچند تفحص کرده نبود چون سند معتبری دارد بهتر است و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که این آیات که مشتملست بر هفت آیه یعنی
هفت سلام در روز نوروز بر کاسه چینی بنویسد بمشک و زعفران و بگلاب
بشوید هر که از آن بخورد تا سال دیگر هیچ المی باو نرسد و اگر کننده او را بگزد هرگز
کارگر نگردد بقدرة الله تعالی هفت آیه اینست سلام علی نوح فی العالمین
سلام قولا من رب رحیم سلام علی ابراهیم سلام علی موسی و هرون
سلام علی الیاسین سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین سلام هی حتی مطلع
الفجر نقل من جمال الصالحین فصل هشتم در اعمال ماههای رومی است سید
جلیل علی بن طاوس رضی الله عنه روایت کرده است که روزی جمعی از صحابه
نشسته بودند حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله داخل شد و بر ایشان سلام
کرد و ایشان جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود که تعلیم نمایم شما را دوائی که
جبرئیل علیه السلام مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای طبیبان نبوده باشم پس حضرت

الخ

امیر المؤمنین علیه السلام و سلمان فارسی رضی الله عنه و دیگران سؤال
کردند که آن دوا چیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین
علیه السلام خطاب کرد و فرمود که در ماه نیسان روی آب باران میگیری و سورهٔ
فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله احد و معوذتین و قل یا ایها الکافرون
هر یکرا هفتاد مرتبه میخوانی و بروایت دیگر سورهٔ انا انزلناه را نیز هفتاد مرتبه
میخوانی و هفتاد الله اکبر میخوانی و هفتاد مرتبه لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰه میگوئی
و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی و هفت روز در بامداد و شبین
از آن میآشامی بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده سوگند
یاد میکنم که جبرئیل عم گفت که حقتعالی بردارد از کسی که این آبرا بیاشامد هر
دردی که در بدنش باشد عافیت بخشد او را و بیرون کند دردها را از
بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح دردی برای مقدر شده باشد محو
کند و بحق پروردگاری که مرا براستی بخلق فرستاده که اگر فرزند نداشته باشد
و فرزند خواهد و آب نیسانرا باین نیت بیاشامد او را فرزندی روزی
کند و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و ازین آب بنیت فرزند بیاشامد
فرزند او بوجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر و ازین آب بیاشامند
مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حقتعالی میفرماید که یَهَبُ لِمَنْ یَشَاءُ اِنَاثًا وَ
یَهَبُ لِمَنْ یَشَاءُ الذُّکُورَ اَوْ یُزَوِّجُهُمْ ذُکْرَانًا وَاِنَاثًا وَیَجْعَلُ مَنْ یَشَاءُ عَقِیمًا یعنی
حقتعالی می بخشد هر کرا خواهد دختران و هر کرا خواهد پسران یا جفت میکرداند
از برای ایشان پسران و دختران را یعنی هر دو را بایشان عطا کند و هر کرا خواهد
عقیم و بیفرزند میکرداند پس حضرت فرمود که اگر درد سر داشته باشد و درد چشمهای

خود قطرهٔ از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را باین آب بشوید باذن

خدا تعالی شفا یابد و آشامیدن آب بهم رساند و از بادهای قولنج و غیر آن متاذی

نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان

بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زایل گرداند و محتاج بحجامت نگردد و

از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و رعاف و قی

نجات یابد و کور و لال و کر و زمین گیر نشود و آب سیاه بر دیده اش نزول نکند

و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسه

جنیان و شیاطین متاذی نگردد پس حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله

فرمود که جبرئیل ع گفت که هر که از این آب بیاشامد و بجمیع دردهای که مردم

مبتلا میباشند مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل ع گفت بحق

آن خداوندی که ترا براستی بخلق فرستاده است که هر که این آیات را بر این آب

بخواند حق تعالی دلش را مملو گرداند از نور و روشنی و الهام او را بر دل او وارد

گرداند و حکمت بر زبان او جاری سازد و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باو

عطا کند از کرامتها آنچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و

هزار رحمت بر او بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص

و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجاة یابد

و موجب شفای امراض او گردد مؤلف گوید که این روایت مشهور بعبدالله پسر

عمر علیه اللعنه منتهی میشود و باین سبب سندش ضعیف است و فقیر بخط شیخ

شهید رحمه الله علیه دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق ع روایت

کرده بود با همین خواص و سورها و اما آیات آنها را باین روش روایت کرده آمت

کرمیا

که میخوانی بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب وآیة الکرسی وقل یا ایها الکافرون
وسبح اسم ربک الاعلی ومعوذتین وقل هو الله احد هر یک را هفتاد مرتبه و میگوی
هفتاد مرتبه لا اله الا الله وهفتاد مرتبه الله اکبر وهفتاد مرتبه اللهم صل علی
محمد وآل محمد وهفتاد مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
ودر خواص ان مذکور است که اگر در زندان باشد وازان آب بیاشامد از حبس
نجات یابد وسردی بر طبع او غالب نگردد واکثر ان خواص که مذکور شد در این
روایت نیز مذکور است وآب باران مطلقا مبارکست ومنفعت دارد خواه
در نیسان ببارد وخواه در غیر آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که بیاشامید آب آسمانرا که پاک کننده بدنست از شما و
دردها را دفع میکند چنانچه حقتعالی میفرماید وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ
الْأَقْدَامَ یعنی میفرستد حقتعالی برشما از آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شمارا
بآن وببرد از شما وسوسه شیطانرا ودلهای شمارا محکم گرداند بآن وقدمهای
شمارا ودر عمل نیسان بهتر آنست که اگر جمعی خوانند هریک مجموع آن سورهها
را واذکار را هفتاد مرتبه بخوانند واز برای آنها که میخوانند فائده اش عظیم
تر وثوابش بیشتر است ودر این سالها بعد از بیست وسه روز که از نوروز
بگذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشود وماه نیسان سی روز است واز
حضرت صادق منقولست که در هفتم حزیران البته حجامت بکن واگر میسر نشود
در چهارده هم بکن واول حزیران تقریبا هشتاد وچهارم نوروز است وآن نیز سی
روز است وحزیران ماه نحس است چنانچه در حدیث معتبر منقولست که در خدمت

حضرت صادق ع ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که این ماهیست که حضرت
موسی ع در این ماه نفرین بر بنی اسرائیل نمود و در یک شب و یک روز سیصد هزار کس
از ایشان مردند و بانسند معتبر از انحضرت منقولست که حق تعالی اجلها را در ماه
حزیران نزدیک میکرداند یعنی موت دران بسیار میباشد بدانکه ماههای روم
بنایش بر حرکت افتابست و عدد انها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول تشرین
الاخر کانون الاول کانون الاخر شباط اذار نیسان ایار حزیران تموز آب
ایلول و چهار ماه را سی میگیرند که انها را تشرین الاخر و نیسان و حزیران و ایلول اند
و هفت دیگر را غیر شباط سی و یک میگیرند که انها شباط را در سه سال متوالی
بیست هشت میگیرند و در سال چهارم که کبیسه ایشانست بیست و نه میگیرند و سال
ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربع است و تشرین الاول که اول سال ایشانست
در این سالها موافق نوروز ده درجه میزانست و تفصیلش در کتاب بحار
الانوار مذکور است و چون این ماهها در احادیث مذکور شده است مجملی
در اینجا ایراد نمودیم باب سیزدهم در بیان احکام اموات و دران پنج فصلست
فصل اول در بیان آداب و احکام حال احتضار است و برداشتن میت
باید که چون در بیمار اثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود گردد و از گناهان
خود توبه کند و بر گذشتها نادم و پشیمان گردد و عازم گردد که اگر زنده بماند
مرتکب معصیت الهی نگردد پس وصیت کند در حقوق خدا و خلق اگر چیزی بذمه
او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد پس بقدر ثلث مال خود وصیت کند که
بخویشان پریشان و فقرا و مساکین و سایر حقوقات از وجوه بر و غیره صرف
نمایند پس ابرای ذمه از عباد در ان موطن بطلبد و هر کس را غیبت کرده باشد یا اذیت

رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس نمایند که از او عفو کنند و اگر
غایب باشد از حاضران التماس نماید که ایشان از او راضی کردانند و از برای
ایشان استغفار نماید پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس
الهی بامینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را
حاضر سازد و شهادت و اقرار بائمه علیهم السلام و ادعیه که وارد شده است
که سنت است که بر کفن نوشته شود بفرماید که بتربت حضرت امام حسین علیه السلام
بران بنویسند و اگر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت است که کفن
پوسته با او باشد چنانچه از حضرت صادق منقولست که هر که کفنش با او باشد
در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هرگاه که نظرش بران کفن افتد برای
او حسنه نوشته شود و باید که در انوقت امید وار رحمت حقتعالی و شفاعت
رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام بوده باشد بسند معتبر از حضرت رسالت
پناه صلعم منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص
مروت و مردی اوست گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون
نزدیک وفاتش شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَ
الْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ اِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنِّي اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي
الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ
الْمَاٰكِلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمَانَ حَقٌّ
وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ

وَاَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَلِحَ اُعْهِدُ اِلَيْكَ
فِي دَارِ الدُّنْيَا اَنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ اِمَامًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَاَنَّ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَئِمَّتِي اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ
كُرْبَتِي وَعُدَّتِي عِنْدَ الْاُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي وَاَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَاِلٰهِي
وَاِلٰهُ آبَائِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَآنِسْ
فِي قَبْرِي وَحْشَتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ اَلْقَاكَ مَنْشُورًا پس حضرت
رسول صلی الله علیه وآله فرمود که این عهد وپیمان میّت است با خدا در وقتی
که میخواهد که وصیّت کند ووصیّت واجب ولازم است بر هر مسلمانی وصحیفهٔ
اعتقادات را چنانچه در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده ام درست وبمهر گواهان
برسانند تا در میان کفن او بگذارند وچون آثار احتضار ظاهر شود این دعا
مکرر بخوانند اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ
تا جان کندن برو آسان گردد وباید که اولاد وخویشان خود را وبرادران
مؤمن در اینحالت او را تنها نگذارند ونزد او قرآن ودعا بخوانند وسورهٔ یس
ووالصافات نزد او بخوانند واعتقاد بوحدانیت خدا وصفات کمالیهٔ الهی
ورسالت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وامامت ائمه هدی علیهم السلام
بتفصیل واعتقاد بمعاد وبهشت ودوزخ وسؤال قبر وسایر اعتقادات حق را
مکرر تلقین او کنند که بگوید وبیاد او آورند واگر نتواند خواند نزد او بخوانند
ودعای عدیله را او بخوانند واگر عربی نداند مضامینش را برو تلقین کنند
که در اینوقت شیطان برو دست نیابد که او را از دین بر گرداند وباید که کلمهٔ

طیبهٔ لا اله الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر
وارد شده است که هر که آخر سخن او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در
حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که تلقین کنید مردگان
خود را بگفتن لا اله الا الله بدرستی که گناهان را در هم میشکند و مونس
مؤمن است در حال حیات و نزد مردن و نزد مبعوث شدن و هر که در هنگام
مردن این کلمهٔ طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در این حال پای
او را بجانب قبله بگذارند تا ملائکه رحمت با او رو آورند و در این وقت حائض
و جنب نزد او نیایند که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر ایشان کسی
نباشد جایز است که برای ضرورت و پرستاری او نمایند و چون نزدیک
شود جانش بیرون آید از نزد او بیرون روند و در احادیث معتبره وارد
شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بآن جائی که همیشه نماز
میکرده است که اگر امید شفا هست شفا مییابد و الا جانش باسانی بر می
آید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زنهار در حال احتضار دست
بر او مگذارید و اگر دست و پا حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه جاهلان
میکنند و نزد او قران بخوانید و یاد خدا کنید و صلوات بر رسول و آل او
بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت صادق ع در احتضار
بود حضرت امام محمد باقر ع در کنار خانه نشسته بود و هر که نزدیک او میرفت
منع میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید که او در این حال در نهایت نا
توانی است و هر که دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته است و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن

بیابید کلمات فرج را تلقین او نمایید و کلمات فرج اینست لا اله الا الله الحلیم
الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب
الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و ما رب العرش العظیم و الحمد لله رب
العالمین و در حدیث دیگر منقولست که چون این کلمات را تلقین کنند کسی را حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود که برو که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول ص اینکلمات را
تلقین کسی کرد و چون او خواند حضرت فرمود الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات
داد و از حضرت صادق ع منقولست که هیچ کس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن
جمعی از شیاطین را موکل میکرداند بر او که او را بشک اندازد و در دین خود تا جانش
مفارقت کند و اگر مومن باشد نمیتواند بر او دست یافت پس در انحال تلقین ایشان
بکنید کلمات فرج و شهادت بوحدانیت خدا و اقرار بحضرت رسالت و ائمه طاهرین
علیهم السلام یک یک بخصوص تا آنسخن گفتن و ایضا سنتست که از برای انسانی
که در حالت جان کندن باشد بدعا تلقین او نمایند یا من یقبل الیسیر و یعفو
عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت العفو الرحیم و بروایت
دیگر انک انت العفو الغفور و چون روح او مفارقت نماید سنتست که دهانش
را بر هم کذارند و چانه اش را بر بندند و چشمها یش را بر هم بکذارند و دستهایش را
بر پهلوهایش بکشند و او را بجا در شبی یا جامه بپوشانند و قران نزد او تلاوت
نمایند و نزد دش بر دارند مگر بقدر جمع شدن مومنان اگر اشتباهی در
موت او نباشد و اگر مشتبه باشد تا یقین نشود بر ندارند و از حضرت صادق
منقولست که سزاوار آنست که برادران مومن را خبر دار کنند بمردن او تا بجنازه
او حاضر کردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت و ایشان همه

نزد دیند

ثواب ببرند ودر حسن از امام جعفر صادق ع منقولست که چون مومن را بقبر میگذارند او را ندا میکنند که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است واول عطائی که دادیم انهارا که با جنازه تو آمده اند امرزش کناهانست ودر حدیث دیکر فرمود که اول تحفه که بمؤمن میدهند در قبر آنست که محا مرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است ودر حدیث دیکر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کنند حقتعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بکمارد که همراهی او نمایند واستغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب وفرمود که هر که یکطرف جنازه را بکیرد بیست وپنج کناه کبیره اش امرزیده شود واکر چهار طرف را بکیرد از کناه بیرون آید وباید که جنازه را چهار کس بردارند وبهتر آنست برای کسی که تشییع جنازه کند که اول دست راست میت را که از جانب چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد پس پای راست میت را باز بدوش راست خود بردارد پس از پشت جنازه برود وپای چپ میت را بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد وچون خواهد که بار دیکر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برکردد وباز همان دوش تربیع بجا آورد واکثر علما برعکس کفته اند اول ابتدا بدست راست جنازه میکند پس بپای راست پس بپای چپ پس بدست چپ واول موافق احادیث معتبره اولی است واکر همرد و را بعمل آورد بهتر است وافضل آنست که عقب جنازه یا بپهلوها راه رود وپیش جنازه نرود وظاهر اکثر احادیث آنست که اکر جنازه مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خوبست ودر جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب میکنند وبا جنازه سواره رفتن مکروهست وانحضرت رسول صلی الله

علیه فاله منقولست که هر که جنازه ببیند واین دعا را بخواند الله اکبر هذا ما
وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا وتسلیما الحمد
لله الذی تعزز بالقدرة وقهر العباد بالموت هیچ ملکی در آسمان نماند مگر
گریه کنند از برای ترحم براو واز حضرت صادق ع منقولست که در حال برداشتن
جنازه این دعا بخواند بسم الله وبالله اللهم صل علی محمد وآله واغفر للمؤمنین
والمؤمنات ومنقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام هرگاه جنازه
را میدید میگفت الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم وزنان را
تشییع جنازه سنت نیست وبعضی گفته اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروهست
ومجمره بردن با جنازه کراهت دارد ودر روز چراغ بردن خوب نیست واسراف
ودر شب خوبست ومکروهست کسی را اگر بجنازه حاضر شود خندیدن وحرف باطل
گفتن **مسئله دوم** در غسل دادن میت است **بدانکه** احکام میت از غسل دادن
وکفن کردن ونماز ودفن کردن واحکام بیش همه واجب کفایتست یعنی بر همه
واجبست واگر یکی بکند از همه ساقط میشود واگر همه ترک کنند معاقب میشوند
ومشهور میان علما آنست که ولایت این معنی تعلق بوارث میت دارد وبی رخصت
او دیگری متوجه آنها نمیتواند شد ومردان وورثه اولایند از زنان وشوهر
اولاست از دیگران واحوط آنست که بیضرورت خود غسل ندهند وغسل و
نماز وسایر احکام میت واجبست برای میت شیعه اثنی عشریه ودر سنی
وسایر فرق مخالفان خلافست وظاهرا واجب نباشد مگر در حال تقیه وشهید
که در جهاد با امام زمان کشته شده باشد ودر معرکه مرده باشد اورا غسل نمیدهند
وکفن نمیکنند بلکه نماز میکنند وبا جامهائی که پوشیده است دفن میکنند

بعضی گفته اند که در جهاد حقّی که کشته شود چنین است این قول وخالی از
قوّتی نیست ومشهور میان اصحاب آنست که هرگاه از میّت عضوی یافته باشند
که دران استخوان باشد میشوید وکفن میکنند ودفن میکنند وبعضی سه
کفن را درانجا واجب دانسته اند واگر عضوی باشد که دل دران باشد نماز هم میباید
کرد واحوط آنست که اگر سینه تنها باشد بانچنین کنند وهمچنین اگر جمیع استخوانها
میت را بیابند وعضوی که بی استخوان باشد مشهور آنست که در لتّه می پیچند ودفن
میکنند وبعضی لتّه پیچیدن را واجب میدانند وبچه که از شکم ساقط شود هر
گاه چهار ماه زیاده داشته باشد غسل میدهند وکفن میکنند ودفن میکنند وبعد
او نمازی نیست وبعضی گفته اند سه جامه کفن میکنند وحنوط میکنند وهرگاه
چهار ماه نداشته باشد مشهور آنست که دولتّه می پیچند ودفن میکنند ودر حدیث
دولتّه پیچیدن مذکور نیست وبعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده اند
وغسل وکفن نه چهار ماه واین احوطست واگر عضوی استخوان دار از زنده
بریده باشد احوط آنست که غسل وکفن ودفن بکنند اگرچه اظهر عدم وجوبست
واگر طفلی در شکم مادر مرده باشد ومادر زنده باشد اگر توانند زنده بیرون
آورند والّا پاره پاره میکنند وبیرون می آورند واگر مادر بمیرد وطفل زنده باشد
شکم مادر را میشکافند از جانب چپ وطفل را بیرون میآورند وبهتر آنست
که شکمش را بدوزند وواجبست که مرد را مرد غسل دهد وزن را زن مگر در
چند موضع اوّل زن وشوهر که بقول اشهر واقوی هر یک دیگری را غسل میتواند
داد واحوط آنست که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصًا مرد زن را دوّم جایز
است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی در عدّه کسی نبوده باشد ودر غسل

کنیز او را خلاف است سیم جایز است که غسل دهد مرد اجنبی دختر سه ساله را برهنه
و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه و بعضی در پنج ساله نیز تجویز کرده اند چهارم هرگاه
مردی فوت شود و مردی نباشد که او را غسل دهد زن محرم میتواند او را غسل
بدهد از زیر جامه و همچنین است هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهر آنست که در حال
اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل میتوانند داد اما احوط آنست که تا ممکن باشد
زنان زن و مردان مرد را غسل بدهند و اما کیفیت غسل پس آنست که پیش از غسل کفن را
مهیا کنند و اول جره و بعد از آن سرتاسری و بعد از آن پیراهن را پهن کنند
و نصف بالای پیراهن را برگردانند و لنگ را و بعد از آن ران پیچ را بجای خود
پهن کنند پس متوجه غسل شود و اگر میسر شود که میت را در وقت غسل میت را
بر روی تخته یا تختی بخوابانند بهتر است و مستحب است که در وقت غسل پای میت را
بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر
احوال باید که چنین باشد مگر در حال نماز و حال دفن و باید رختهایش را
بکنند و اگر خواهند با پیراهن غسل دهند و اگر خواهند لنگ بربندند
و پیراهن را بکنند و بهر تقدیر واجبست که در وقت غسل دادن عورتین
میت را بپوشانند و مشهور آنست که واجبست که اول ازاله نجاست از بدن
میت بکنند و سنت است که برای حرمت میت پیراهن را از طرف پا بیرون کنند
و اگر تنگ باشد باذن ورثه بلکه بشکافند و سنت است که در زیر سقفی یا خیمه غسل
بدهند که برابر آسمان نباشد و سنت است که دو نفر باشند غسل دهنده یکی آب
بریزد و دیگری غسل دهد و بگردانند میت را و مستحب است که انگشتان میت را
بمدارا نرم کنند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بردارند

دو جانب

و واجبست که میت را سه غسل بدهند اول بآب سدر و بعد از آن بآب کافور و بعد
از آن بآب خالص و سنتست که اول دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنا
بر بعضی از روایات پس عورت میت را بشوید و احوط آنست که چون خواهد عورت را
بشوید لته بر دست به بندد که دستش بعورت نرسد و اگر بدست چپ بشوید بهتر است
و سنتست که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب
بسیار بریزد تا خوب پاک شود پس دست بر بالای شکمش بگذارد و بنرمی و هموار
پایین کشد که اگر فضله باشد بیرون آید و اگر چیزی بیرون آید با مخرج بشوید
و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند باشد دست بر شکمش نکشد و علما
گفته اند که سنتست که سر و ریش را پیش از غسل بشوید پس سنتست که دستهای
خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسی که دست بر میت گذارد پس وضو دهد میت را
بروش وضوی زنده گان بآب خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند که وضو
میدهم این میت را قربة الی الله پس رو و دستهایش را بشوید و سر و پایش مسح کند
پس ابتدا بغسل کند و احوط آنست که آب ریزنده و گرداننده اگر دو کس باشند هر
دو نیت کنند و بهتر آنست که نیت هر سه را در اول بکند و از برای غسل کافور
و قراح نیز نیت جدا بکند پس اول نیت میکند که این میت را غسل میدهم بآب
سدر و کافور و قراح از جهة آنکه واجبست از برای رضای خدا قربة الی الله پس
سر میت را بآب سدر بشوید و اولا احوط است که بجانب راست سر میت آب بریزد
و بعد از آن بجانب چپ و سنتست که سر را و هر دو جانب را سه مرتبه بشوید و سنت
است که سه مرتبه بشوید و هر سبویی اگر میریزد قطع نکند تا بپا برساند و اگر آنکه
میت را میگرداند در هنگام آب ریختن دست بر پشت و شکم بمالد بهمواری که

آب خوب برسد بهتر است و دست میّت را از پهلو جدا کنند که تا آب بزیر آن برسد
و چنان کنند که آب بزیر لنگ برسد و عورت و ران و سایر اعضا آب خوب جاری
شود پس میّت را بگرداند و بر پهلوی راست بخواباند و پهلوی چپ را بهمان طریق
که مذکور شد سه مرتبه بشوید و در آب سدر مسمّی کافیست و مشهور آنست که
حدّی ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت برگ سدر باشد و بعضی یک رطل و
بعضی یک رطل و نیم گفته اند که نزدیک به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد و گویا
این زیادتها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش از غسل بوده باشد و احوط آنست
که در آب غسل آنمقدار داخل نکند که مضاف شود و آبش نگویند و در بعضی روایات
در شستن هر جانب شستن نصف سر نیز وارد شده است و شاید بد نباشد اگر چه
خلاف مشهور است پس میّت را بر پشت میخوابانند و ظرفها را میشویند که اثر سدر
از آنها برطرف شود و اندک کافوری را ریزه میکنند و داخل آب میکنند و غسل
دهنده دستهای خود را تا مرفق میشوید و بهتر آنست که دست میّت را نیز تا نصف
ذراع سه مرتبه با آب کافور بشوید و فرج او را نیز سه مرتبه بشوید بهمان نحو که لتّه
یا دستمالی بر دست پیچیده و دست بر شکم بکشد بهمواری و بهتر آنست که در وقتی
که دست بر شکم میکشد سر میّت را بلند کند که فضلات از آن ظرف بیرون نرود
پس احتیاطا آب بریزند و گرداننده هر دو نیّت کنند که این میّت را غسل میدهم باب
کافور از برای آنکه واجبست از برای رضای خدا پس سر میّت را بشوید و سنّت آنست
که سه مرتبه بشوید و مستحبّ است که سه مرتبه و در هر مرتبه ابتدا بجانب راست
سر بکند و گرداننده بهمواری دستی بمالد پس جانب راست را سه مرتبه و جانب
چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشوید پس میّت را بر پشت بخوابانند

و باز دست

بوبانند دست خود را تا مرفقین بشویند وظرفها را خوب بشویند که اثری از سدر و کافور
در آنها نماند و اگر سبوی دیگر برای آب قراح مهیا کنند بهتر است و احوط آنست که آب
غسل قراح را از حوضی که آب سدر و کافور در آن ریخته شده است بر ندارند و از
آب بردارند که اینها مطلقا در آن داخل نشده باشد پس دستهای میت را تا نصف
ذراع سه مرتبه با آب خالص و اگر در این بشویند استحبابا و فرج میت را نیز سه مرتبه
بشویند با آب خالص و اگر در این وقت نیز با دیگر میت را وضو دهند شاید بهتر
باشد پس احتیاطا نیت کند که غسل میدهم این میت را با آب قراح از جهة آنکه
واجبست قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست سه مرتبه و جانب چپ
را سه مرتبه بشویند که یک مرتبه واجبست و دو مرتبه سنت و بهتر آنست که کرداننده
عمدا در وقت آب ریختن دستی بکشد بر بدن میت پیش از این غسل و در اثنای
این غسل دست بر بدن میت نمیکشد و چون از این سه غسل فارغ شود
اگر خوف نجاستی بوده باشد قدری از پنبه در دبرش داخل کنند و همچنین
در دهان و بینی او قدری داخل کند اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاست
بوده باشد پس سنت است که بدنش را بجامه خشک کند و بعد از آن او را بر
روی جامهای کفن بگذارد و سنت است که هر مرتبه که میت را از جائی بجائی
کردانند این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ
رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ و اگر زن باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ
هٰذا بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ و اگر رو بقبله بگوید بهتر است و در سایر احوال غسل
مکرر بگوید رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ تا خدا او را بیامرزد و سنت است که هر چه از عیوب
میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی گناهان او را بیامرزد و چنانچه

چنانچه از مادر متولد شده و مستحب است که غسل دهنده از جانب راست بایستد
و گودالی در برابر قبله بکنند و تخت سرازیر باشد که آب غسل روان گودال رود و مکروهست
که آب غسل را بچاله که در آن بول و غایط کنند بریزند یا گو چاله باشد که کثافات خانه را
در آن بریزند تصور ندارند و مکروهست میت را با آب گرم غسل دادن مگر در حال
ضرورت و مکروهست که میت را در میان پاهای خود بگیرند و ایضا مکروهست
که ناخن میت را بچینند یا موی او را بگیرند یا شانه نباشد و علما گفته اند که سنت
است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازند و بعد از آن جانب
راست لفافه را بر جانب چپ میت و بهتر آنست که چنین کنند اگرچه مستندش
بنظر نرسیده و سنت است که خرقه طویل که عرضش یک شبر و نیم و طولش اقلا سه
ذرع و نیم باشد بذراع دست زیاده کنند برای ران پیچ یا آنکه سر او را اینجا
و بر یکدیگر میت ببندند و پنبهٔ بسیار بر دبر و فرج میت بگذارند و اگر زن باشد
بیشتر پنبه بگذارند و اگر بر پنبه قدری کافور بپاشند شاید بد نباشد و
سر یک خرقه را از میان پاها بدر آورند و از زیر آنچه بر کمرش بسته اند بیرون
آورند و محکم بکشند که فرج او را پنبه فرا گیرد و پاها را بهم آورند و رانها را
با یکدیگر بآن خرقه سخت بربندند و برپیچند تا زانوها و هر جا که منتهی شود
سرش را در آنچه پیچیده اند فرو برند و سنت است که عمامه از برای مرد زیاد کنند
که بر دور سرش بگردانند و موافق مشهور بر زیر حنک بگذرانند و سرهای عمامه
را از هر دو طرف بدر آورند و بر سینهٔ میت بیندازند چپ را بر جانب راست
و راست را بر جانب چپ و بدل از عمامهٔ مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه
بر سینهٔ زن بربندند که پستانهای او را بگیرد و بر پشتش گره زنند و مکروهست

که کفن

که کفن از کتان باشد یا پیراهنی که تازه کنند آستین داشته باشد اما اگر میت
را در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست بریدن آستین یا کی نیست اما تکمها
و بندهایش ببرند و سنت است که میت را کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز
میکرده است و اگر در پیراهن بعضی انبیا باشد و مستحبست که در جامهٔ که در آن
احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند و مستحبست که کفن خوش قماش و صاحب
قیمت باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای مردکان خود را
که زینت ایشانست و با آن کفنها در قیامت مبعوث میشوند و سنت است که در قیمت
کفن مضایقه و مبصری نکنند و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد و سنت
است موافق مشهور که بر کفن شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام بنویسند و دعاء
جوشن و غیر آن در بعضی روایات وارد شده و سنت است که بتربت حضرت امام
حسین ع بنویسند و علما گفته اند که سنت است که کفن را بر پیمانی که از آن بیرون
آورده اند بدوزند و باب دهان تر نکنند و سنت است که در وقتیکه غسل دهنده
خواهد که میت را کفن کنند دستهایش تا دوش تا مرفق بشوید و بعد از آن
شروع کند در کفن کردن و واجبست حنوط کردن میت را با آنکه بر هفت موضع
سجده یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشت مهین پاها را کافور بمالند
اگر چه اندکی باشد و بهتر اینست که سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش بریزند
و اگر گودال پایین کردن و بندهای پا و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها
و بیخ ران و بند انگشتان و سایر بندها را بمالند احوطست و بهتر انست که کافور
حنوط کافور خام جدا نه باشد و مقدارش بقدر یک اشرفی باشد که چهار دانگ
و نیم مثقالست و بهتر از این انست که سه مثقال باشد و بهتر از این آنست که سیزده

درهم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلی الله علیه که تقریباً
هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر آنست که کافور غسل از این مقدار ها نباشد
و سنت مؤکد است که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد
شده است که تا این چوبها تر است میت را عذاب نمیکنند و بهتر آنست که چوب درخت
خرما بوده باشد و اگر یافت نشود چوب سدر کنند و اگر یافت نشود چوب بید
و اگر یافت نشود چوب درخت خوخ و اگر بهم نرسد هر چوب تری که خواهند و باید
تر باشد و تازه از درخت بریده باشند و چوب خشک هر چند از درخت خرما
اما اگر مشهور بریده باشند فایده نمیکند و باید هر یک بقدر یک شبر بوده باشد
یا یک ذراع دست و بعضی گفته اند که پنبه بر آنها بپیچند که رطوبتشان بیشتر بماند
یکی از جانب راست بگذارند و سرش را بچنبر کردن بگذارند و ملصق ببدن سازند
و دیگری را از جانب چپ و میان پیراهن و سر تا سری بگذارند و سر آن نیز بچنبر کردن
گذارند و بعضی گفته اند که سنت است که بر جریدتین شهادتین بنویسند بتربت
شریف و اگر تقیه باشد و جریده نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر
بعد از پر کردن قبر بخاطرشان آید در میان قبر فرو برند بدانکه کفن واجب میت
از اصل مال اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد
رختهای او را تطهیر کنند و با آنها کفن کنند و اگر آنهم نباشد برهنه دفن کنند
و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میتوان کرد و خالی از قوتی نیست و سنت
مؤکد است که او را مسلمان کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر منقولست که هر که کفن مؤمنی را بدهد چنانست که ضامن جامه
او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند برای مؤمنی قبری چنانست

که او را

٣٠٦

کرا درا در خانه موافق نیکوئی جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر
واجبست هرچند زن مالدار باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجبست
هرچند و اگر آن میت نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده
باشد تا در قبر نگذاشته اند آنرا میشویند و اگر بقبر برده باشند مشهور آنست
که آنموضع را مقراض میکنند و کفن را از یکدیگر می کشانند تا بدن میت پوشیده
شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن شود شستن در اندرون قبر بآنکه شرطست و
افتا بر بیرند و بشویند بهتراست خصوصا هرگاه بدن میت نجس شده باشد و
تطهیر آن لازم باشد کفن را نیز بآن عنوان بشویند و این احوط است و جمعی
گفته اند مکروهست کفن را باهن ببرند و گفته اند از مشایخ چنین شنیده ایم
و در حال کفن نیز سنتست که پاهایش را بسمت قبله کنند و کسی که با غیر جهاد
یا امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله میکنند و غسل میدهند و
اگر سر جدا باشد در هر غسل اول سر را میشویند و آخر بدن را و بعضی گفته اند
که اگر خون بند نشود گل دست میزنند تا بند شود و از حضرت صادق ع منقولست
که در حکم چنین کسی اول خون را میشویند و آب برو میریزند در غسل و درست
بر بدنش میمالند و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم می بندند و
همچنین اگر گردنش بریده شده باشد و جدا نشده باشد کافور میپاشند بر موضع
جراحت و پنبه بران میگذارند و بخرقه می بندند که خون بیرون نیاید و اگر
سر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را میشویند و بعد از آن بدن را و
پنبه بر بالای گردن میگذارند و بعد از آن سر را بر روی گردن میگذارند و در
میان کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و

روی میت را بجانب قبله میکرده اند **فصل چهارم** در نماز میت است و این نماز واجب
بر همه مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانده اند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران
ساقط میشود و واجبست نماز بر هر شیعه اثنا عشری که بالغ باشد بخلاف
و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سال تمام شده باشد نماز واجبست ظاهرا
بتصدق قربة اکتفا نتوان کرد و کمتر از شش ساله را اگر زنده متولد شده باشد بعضی
سنت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردنست و جایز نیست نماز
کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوت اهل بیت داشته باشند و غالیان
که ائمه علیهم السلام را خدا دانند یا گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر
مرتد و اینها که خدا را جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلافت و ظاهرا
مخیر باشد میان آنکه نماز نکند یا بکند و چهار تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم نفرین
و لعنت کند بر او و در موضع تقیه ترک نباید کرد و سزاوارترین مردم بنماز بر میت
وارث اوست بنا بر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت
نمیتوان کرد و بانفراد میتوان کرد و احوط آنست که تا توان از ایشان رخصت گرفتن
بی رخصت نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است نسبت بزن و مردان اولی
اند از زنان در وارث اگر خود قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر که را اعتقاد
داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد و جایز است که زن پیشنمازی زنان کند
و با مردان در یک صف بایستد و مرد باید که پیش بایستد اگر چه ماموم یک نفر باشد
و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان بایستند و اگر حایضی باشد
سنتست که در صف جدائی بایستد و واجبست که نمازگذارنده رو بقبله بایستد
و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم هر کجا بیست و احوط

در منفرد

منفرد آنست که از برای جنازه بیرون نباشد و واجبست که میت را بر پشت بخوابانند
و در این نماز طهارت شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو این نماز را میتوانند
کرد و احوط آنست که سایر شروط نماز یومیه را در این رعایت کنند از پوشانیدن
عورت و نجس نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگرچه اظهر آنست هیچ
یک در کار نیست مگر چیزی چند که حرام باشد و ازاله آنها منافی افعال نماز نباشد
مانند طلا و حریر برای مردان و جامه غصبی و سنت است که با وضو باشد و اگر آب
بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر
بعضی از احادیث آنست که بدون عذر تیمم مستحبست و میباید که از جنازه بسیار دور
نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد و نماز بر میت نمیتوان
کرد تا او را غسل و کفن نکنند و اگر کفن نداشته باشد او را بقبر گذارند و عورتش را
بپوشانند و نماز کنند و سنت است که پیش نماز برابر میان مرد بایستد و سینه زن
بنا بر مشهور و سنت است که کفش را بکند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست
کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجبست که نیت کند و بهتر آنست که چنین
نیت کند که نماز بر این میت حاضر میکنم از برای آنکه واجبست قربة الی الله و پنج
تکبیر بگوید و سنت است که در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر
تکبیر اول سنت نمیدانند دست برداشتن را و اول اقوی است و در وجوب دعا
در میان تکبیرها خلافست و احوط وجوبست و ظاهر اینست که هر دعائی مجزی باشد و مشهور
آنست که بعد از تکبیر اول بگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ
اللهِ و در دوم بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و در سیم بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ و در چهارم بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَیِّتِ و تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود

مجربات و موافق مشهور است که چنین کند بعد از نیت بگوید الله اکبر اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق
بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة پس بگوید الله اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک
علی محمد و آل محمد وارحم محمدا و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی
ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء والمرسلین پس
بگوید الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء
منهم والاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات انک علی
کل شیء قدیر پس بگوید الله اکبر اللهم ان هذا عبدک وابن عبدک وابن امتک
نزل بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم به منا
اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم
اجعله فی اعلی علیین واخلف علی اهله فی الغابرین وارحمه برحمتک یا ارحم
الراحمین پس میگوید الله اکبر و فارغ میشود و اگر زن باشد میگوید اللهم ان
هذه امتک وابنة عبدک وابنة امتک نزلت بک وانت خیر منزول به اللهم
ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عنها واغفر لها اللهم
اجعلها عندک فی اعلی علیین واخلف علی اهلها فی الغابرین وارحمها
برحمتک یا ارحم الراحمین و اگر بعد از چهار تکبیر این دعا بخواند اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی
محمد و آل محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات اللهم ان هذا المسجی قدامنا عبدک
وابن عبدک وقد قبضت روحه الیک وقد احتاج الی رحمتک وانت غنی
عن عذابه اللهم انا لا نعلم من ظاهره الا خیرا وانت اعلم بسریرته اللهم

اِن کان محسناً فزد فی احسانه واِن کان مسیئاً فتجاوز عن سیئاته واگر زن
باشد بگوید اللهم اِنّ هذه المسجّات قدامنا امتک وابنت عبدک وقد قبضت
روحها الیک وقد احتاجت الی رحمتک وانت غنیٌّ عن عذابها اللهم انا لا نعلم
من ظاهرها الا خیرا وانت اعلم بسریرتها اللهم اِن کانت محسنة فزد فی احسانها
واِن کانت مسیئة فتجاوز عن سیئاتها بلکه موافق جمع بین الاحادیث بهتر است
واگر بعد از هر یک تکبیر این دعا را بخوانند نیز خوبست اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد ان محمداً عبده ورسوله اللهم صل علی محمد وال محمد
وعلی الائمة الهدی واغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل
فی قلوبنا غلا للذین امنوا ربنا انک غفور رحیم اللهم اغفر لاحیائنا وامواتنا
من المؤمنین والمؤمنات والف قلوبنا علی قلوب اخیارنا واهدنا لما اختلف
فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم اللهم عبدک
ابن عبدک ابن امتک انت اعلم به افتقر الی رحمتک واستغنیت عنه اللهم
فتجاوز عن سیئاته وزد فی حسناته واغفر له وارحمه ونوّر له فی قبره و
لقّنه حجته والحقه بنبیه ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده واگر زن باشد از
اول دعا میخوانند تا انجا که الی صراط مستقیم اللهم امتک ابنت عبدک ابنت امتک
انت اعلم بها افتقرت الی رحمتک واستغنیت عنها اللهم فتجاوز عن سیئاتها
فزد فی احسانها واغفر لها وارحمها ونوّر لها فی قبرها ولقّنها حجتها والحقها
بنبیها صلی الله علیه واله ولا تحرمنا اجرها ولا تفتنا بعدها ودر روایتی
وارد شده است که بعد از فراغ از نماز بگوید ربنا اتنا فی الدنیا حسنة وفی
الاخرة حسنة وقنا عذاب النار واگر بر سنی و خلاف مذهب نماز کند

بضرورت بعد از تکبیر چهارم بلکه مقدم از هر تکبیر بر او لعنت ونفرین کند
وبهتر اینست که چنین بگوید اللهم اخزِ عبدک فی عبادک وبلادک اللهم اصله
حرّ نارک اللهم اذقه اشدّ عذابک فانّه کان یوالی اعدائک ویعادی
اولیائک ویبغض اهل بیت نبیک صلی الله علیه وآله واگر میت مستضعف
باشد که ضعیف العقل باشد وتمیز میان مذاهب نکند واین سبب سنّی
باشد یا مخالف حق باشد وعناد با شیعیان نداشته باشد یا اعتقاد با هلبیت
علیهم السلام داشته باشد وبا دشمنان ایشان بد نباشد در نماز بر او بگوید اللهم
اغفر للذین تابوا واتبعوا سبیلک وقهم عذاب الجحیم واگر مذهب میت معلوم
نباشد بگوید اللهم ان هذه النفس انت احییتها وانت امتّها اللهم ولّها
ما تولّیت واحشرها مع من احببت واگر میت طفل نابالغ باشد بگوید اللهم
اجعله لابویه ولنا سلفا وفرطا واجرا ومشهور همه اینست که دعاهای سر
تکبیر اوله امیخوانند بنحوی که گذشت واین دعاها را بعد از تکبیر چهارم میخوانند واگر
بر سنّی نماز کنند تکبیر پنجم نمیگوید وسنّت است که بر جای خود بایستد که دعاهای
سر تکبیر اول را میخوانند بنحوی که گذشت واین دعاها را بعد از تکبیر چهارم میخوانند واگر
بر سنّی نماز کنند تکبیر پنجم را نمیگوید وسنّت است که بر جای خود بایستد تا جنازه
را بردارند خصوصا پیشنماز ونماز جنازه را در مسجد میتوان کرد ومشهور آنست
که اگر در مسجد نکنند بهتر است وبر یک جنازه دو مرتبه نماز کردن خلافست در جواز
آن ودور نیست که کسی که نماز نکرده باشد تواند کرد وکسی که در اثنای نماز برسد
بقصد وجوب ملحق میشود ودعاها که خود شرا باید خواند میخواند وچون پیش
نماز فارغ شود بقیه را با دعاهای مختصر بخواند اگر چه جنازه را بردارند واگر

دور شود یا بکردد و تکبیرها را ابتدا بپای یکدیگر را بگوید و اگر میتی را بی نماز
دفن کرده باشند احوط آنست که بر قبر او نماز کنند هر چند مدتی گذشته باشد
و همه وقت نماز جنازه را میتوان کرد مگر آنکه وقت حاضره تنگ شود که حاضره
را مقدم دارد و بهتر آنست که با وسعت یعنی اول حاضره را مقدم دارد مگر آنکه خوف
فوت نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت **فصل پنجم** در آداب دفن
میت است و آداب بعد از آن سنت است تا میت را در قبر بگذارند نه نشینند و واجبست
کفایت دفن کردن میت و قدر واجب آنست که میت را در گوی پنهان کنند بحیثیتی
که بوی بد او از مردم مستور کرده و جسد او از درندگان ایمن باشد و خوابانیدن
او بر جانب راست رو بقبله واجبست بقول مشهور و بعضی مستحب دانسته اند و مستحب
است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنت است کندن لحد از طرف قبله
و مستحبست که آنقدر فراخ باشد که کسی تواند نشست و اگر زمین سست باشد
و لحد نتوان کند بعضی گفته اند که مانند لحد بسازند و اگر نتوان بر راست شق کنند
با آنکه از میان قبر بقدر جسد میت فرو برند آنقدر که بتوان نشست و دو طرف را
داشته باشد که خشت بر روی آن توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و
احوط آنست که در مانند سردابه و تابوت و صندوق نگذارند و شخصی که در دریا
بمیرد اگر ممکن باشد بخشکی برسانند و الا در مانند خم بگذارند و سرش را بر
بندند و در دریا اندازند اگر ممکن باشد و الا او را سنگین کنند و رو بقبله
با آب اندازند و چون جنازه نزدیک قبر رسد سنت است که او را نزد پای
قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد برابر قبله قبر بگذارند و مشهور آنست که
زمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند و مرتبه چهارم او را بقبر میبرند و انچه

در روایات معتبره وارد شده است آنست که چون میت را نزدیک رسانی اورا

بناکاه بقبر مبر و کار را بر او سکین مکن و پایین تر از قبر بقدر دو ذراع یا سه ذراع

بگذار و ساعتی صبر کن تا اهبه خود را بگیرد برای سؤال قبر و سنت است که سر

میت را پیش کنند و از پیش پای قبر سراشیب بقبر برند و جمعی از علما گفته اند

که زن را از پیش و تبلد میگیرند و بعرض بقبر میبرند و سراشیب نمیکنند چنانچه

در بعضی از روایات وارد شده است و سنت است که شخصی که بقبر میرود که

میت را بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید و بالا پوش و ردا را بیندازد و سر

و پایش برهنه باشد و جایز است یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشند خواه

جفت و اکثر علما گفته اند که مکروهست اگر میت مرد باشد خویش او را بقبر برود

و اینچه از احادیث ظاهر میشود آنست که پدر را مکروهست که در قبر فرزند داخل شود

و فرزند و سایر اقارب باکی نیست و اگر میت زن باشد احوط آنست که محرم او را

بقبر برد و اگر نبوده باشد زن صالحه برود و اگر زن نبوده باشد مرد صالح پیری

و در رفتن و بیرون آمدن سنت است که از پیش پای قبرها باشد و سنت است

که چون میت را نزدیک قبر بگذارد بگوید اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ اِبْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ

نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ و چون میت را بردارند که بقبر برند بگوید بِسْمِ اللّٰهِ

وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اِلٰى رَحْمَتِكَ لَا اِلٰى

عَذَابِكَ اَللّٰهُمَّ اَفْسِحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَ

اِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ و چون در قبر بگذارد سنت است که بندهای کفن را بگشاید

روی میت را باز کند و طرف راست میت را بر خاک گذارد و اگر زیر سر را از خاک

بلند تر کند بدنیست و خشتی بر پشتش بگذارد که بر نیفتد و سنت است که مهری

تربت حضرت امام حسین ع در برابر روی او بگذارد و اگر تربت آن حضرت در کفن
نیز بگذارد بهتراست و بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم پس سوره فاتحه و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند
و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است پس بگوید بسم الله و بالله و فی سبیل الله
و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم صل علی محمد و آل محمد
اللهم افسح له فی قبره و الحقه بنبیه صلی الله علیه و آله اللهم ان کان
محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فاغفر له و ارحمه و تجاوز عنه پس
بگوید اللهم جاف الارض عن جنبیه و صاعد عمله و لقه منک رضوانا
بگوید اللهم عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل بک و انت خیر منزول
به اللهم افسح له فی قبره و لقنه حجته و الحقه بنبیه و قه شر منکر و نکیر
بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله
اللهم عبدک ابن عبدک نزل بک و انت خیر منزول به اللهم ان کان محسنا
فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فتجاوز عنه و الحقه بنبیه محمد صلی الله علیه
و آله و صالح شیعته و اهدنا و ایاه الی صراط مستقیم اللهم عفوک عفوک
و بروایت معتبر دیگر این دعا بخواند اللهم هذا عبدک فلان بن فلان و نام
او را ببرد و بگوید و ابن عبدک و قد نزل بک و انت خیر منزول به قد احتاج
الی رحمتک اللهم و لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم بسریرته و نحن الشهداء
بعلانیته اللهم فجاف الارض عن جنبیه و لقنه حجته و اجعل هذا
الیوم خیر یوم اتی علیه و اجعل هذا القبر خیر بیت نزل فیه و صیره الی
خیر مما کان فیه و وسع له فی مدخله و آنس وحشته و اغفر ذنبه و لا تحرمنا

اَجْرَهُ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ وسنت است كه در ايجال عقايد حقه را تلقين او كنند خصوصا

ولايت ائمه معصومين صلوات الله عليهم وبهتر آنست كه بدست راست دوش راست

ميت را بگيرد وبدست چپ دوش چپ ميت را و او را حركت دهد وتلقين كند

واگر اين نخوانند جامع تر است اسمع افهم يافلان بن فلان ونام او وپدرش را

بگويد هَلْ اَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَسَيِّدُ

النَّبِيِّينَ وَخَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَاِمَامٌ

افْتَرَضَ اللهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَاَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ

اَئِمَّةُ الْمُؤْمِنِينَ وَحُجَجُ اللهِ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ وَاَئِمَّتُكَ اَئِمَّةُ هُدًى اَبْرَارٌ

يَافُلَانَ بْنَ فُلَانٍ اِذَا اَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقَرَّبَانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللهِ تَبَارَكَ

وَتَعَالَى وَسَئَلَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَعَنْ نَبِيِّكَ وَعَنْ دِينِكَ وَعَنْ كِتَابِكَ وَعَنْ

قِبْلَتِكَ وَعَنْ اَئِمَّتِكَ فَلَا تَخَفْ وَقُلْ فِي جَوَابِهِمَا اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَ

مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ نَبِيِّي وَالْاِسْلَامُ دِينِي وَالْقُرْاٰنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ

قِبْلَتِي وَاَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ اَبِيطَالِبٍ اِمَامِي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى اِمَامِي

وَالْحُسَيْنُ عَلِيٌّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَا اِمَامِي وَعَلِيٌّ زَيْنُ الْعَابِدِينَ اِمَامِي وَمُحَمَّدٌ بَاقِرُ

عِلْمِ النَّبِيِّينَ اِمَامِي وَجَعْفَرٌ الصَّادِقُ اِمَامِي وَمُوسَى الْكَاظِمُ اِمَامِي وَ

الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ اِمَامِي وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ اِمَامِي هٰؤُلَاءِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ

اَجْمَعِينَ اَئِمَّتِي وَسَادَتِي وَقَادَتِي وَشُفَعَائِي بِهِمْ اَتَوَلَّى وَمِنْ اَعْدَائِهِمْ

وَعَلِيٌّ الرِّضَا اِمَامِي وَمُحَمَّدٌ الْجَوَادُ اِمَامِي وَعَلِيٌّ الْهَادِي اِمَامِي

اتبرء

ابرء في الدنيا والآخرة ثم اعلم یا فلان بن فلان ان الله تبارك وتعالى
نعم الرب وان محمداً ص نعم الرسول وان امير المؤمنين علي بن ابي طالب واولاده
الائمة الاحد عشر نعم الائمة وان ما جاء به محمد حق وان الموت حق
وسؤال منكر ونكير في القبر حق والبعث حق والجنة حق والنار حق
وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور پس بگوید
افهمت یا فلان ودر حدیثی است که میت در جواب میگوید بلی فهمیدم پس بگوید
ثبتك الله بالقول الثابت هداك الله الی صراط مستقیم عرف الله بینك وبین
اولیائك في مستقر من رحمته پس بگوید اللهم جاف الارض عن جنبیه
واصعد بروحه الیك ولقه منك برهانا اللهم عفوك عفوك پس خشت
بر لحد بگذارند واگر پخته نیز خوبست وخشت خام بهتر است اگر خشت بزرگ باشد
راست بگذارد وبر رخنه خشتها خشت دیگر بگذارد یا بگل رخنه را بگیرد واگر
خشتها کوچک باشد هره کند وبه هر تقدیر رخنها را محکم کند که خاک بر میت نریزد
ودر وقت چیدن خشت اینها بخواند اللهم صل وحدته وآنس وحشته
وآمن روعته واسكن اليه من رحمتك رحمة تغنيه بها عن رحمة من سواك
فانما رحمتك للظالمين ودر روایت دیگر رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواك
واحشره مع من كان يتولاه ومکروهست فرش قبر بچوب وتخته کردن یا میت را
با تابوت گذاشتن مگر آنکه زمین آب بر آورده یا نم بسیار داشته باشد وچون
از پیش پای قبر بیرون آید بگوید انا لله وانا الیه راجعون والحمد لله رب
العالمین اللهم ارفع درجته في اعلى عليين واخلف على عقبه في الغابرين
وعندك نحتسبه یا رب العالمین پس سنت است که حاضران بپشت کف خاک

خاک در قبر بریزند و اگر بشکم دست کفها را پر کنند و بریزند نیز خوبست و سنّتست که سر مرقبر بریزند و در وقت ریختن بگوید اَللّهُمَّ اِیْمَانًا بِکَ وَتَصْدِیقًا بِکِتَابِکَ
هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْ اِیْمَانًا وَمَا
زَادَنَا اِلَّا اِیْمَانًا وَتَسْلِیمًا و در حدیثست که هر که چنین کند و این دعا بخواند
حقتعالی بعدد هر ذره از خاک حسنه برای او بنویسد و مکروهست که خویشان
میّت خاک بر قبر بریزند که موروث قساوت قلبست و دوری از رحمت الهی و سنّت
است که از غیر خاک قبر میت نریزند که بار است براو و سنّت است قبر را بقدر
چهار انگشت بلند کنند بعضی چهار انگشت کشاده و بعضی بهم آورده گفته‌اند
و ظاهر هر دو خوب باشد و در زیادت یکشبر نیز مجوز باشد و مستحبّست که قبر را
چهار گوشه کنند و روش راهن کنند و خوشته نکنند بنحوی که سینان میکنند
و بعد از آن آب بر قبر بریزند و در خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب
نمیکنند و سنّتست که آب ریزنده رو بقبله بایستد و ابتدا بر پیش سر کند و بر
یکجانب قبر بریزد تا پیش پا و بکردد بجانب دیگر و بریزد تا پیش سر و بعد از آن
بر میان قبر بریزد و سنّتست که آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود و
مستحبّست که بعد از ریختن دست بر قبر گذارد در حالتی که انگشتان ایشان گشاده
باشد و قوّت کنند تا اثر انگشتان ایشان در آن بماند و رو بقبله باشند
و از بعضی روایات مفهوم میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ
جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَاَصْعِدْ اِلَیْکَ رُوحَهُ وَلَقِّهِ مِنْکَ رِضْوَانًا
وَاَسْکِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِکَ مَا تُغْنِیهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاکَ و هفت مرتبه
سورهٔ انّا انزلناه بخواند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر

مونث

مؤنث بیاورد چنانچه بر برخی نوشته شده است و سنت است که ولی میت یعنی
اقرب خویشان او بعد از انکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و باواز بلند آن
تلقین که گذشت بار دیگر بکند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوبست و در اخبار
وارد شده است که چون این تلقین را بکند منکر و نکیر میگویند بیا برویم
تلقین حجتش کردند احتیاج پرسیدن نیست پس برمیگردند و سؤال نمیکنند
و مکروهست عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر بسیار ماندن و گچ مالیدن بر
قبور مگر قبور انبیا و ائمه صلوات الله علیهم و بعضی گفته اند که قبور علما و
صلحا نیز این حکم دارد و مکروهست تازه کردن بعد از مندرس شدن و در
خبر است که حقتعالی دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را
و مکروهست در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی
که در انجا مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین
علیهم السلام و بعضی استثنا کرده اند بمقبره صلحا و علما و شهدا را و نیز مکروهست
بر روی قبر نشستن و راه رفتن مگر بواسطه زیارت قبور که ضرور شود و مشهور
آنست که جایز نیست شکافتن قبر مگر در چند صورت یکی انکه در قبر صاحب
قیمتی افتاده باشد دیگر انکه در زمین غصبی دفن کرده باشد یا در کفن غصبی
کفن کرده باشند و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که در قبرستان بگذرد
و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان آن قبرستان
ببخشد بعدد مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که ایة الکرسی را
بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حقتعالی بدهد هر حرفی ملکی خلق
کند که تسبیح گویند از برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه و جمعه

زیارت قبور مستحبست ودر احادیث معتبره وارد شده است که بهر که مصیبتی وارد
شود مصیبت حضرت رسالتپناه صلعم بیاد آورد که صغیرترین مصیبتهاست ودر اخبار
بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثواب او
حبط میشود ونباید شیون وفریاد کند و وا ویلا و واثکلاه بگوید ودر حدیث
معتبر منقولست که هر که یک فرزند او بمیرد وصبر کند بهتر است از برای او که هفتاد
فرزند از او بمانند که همه سوار شوند ودر راه خدا جهاد کنند ومنقولست که هر که را
خدا دوست میدارد بهترین فرزند او را میگیرد ومنقولست که ثواب مؤمن از مردن
فرزندش بهشت است خواه صبر کند وخواه نکند وبسند معتبر منقولست که حضرت
صادق ع در وقت مصیبتها این دعا میخواند الحمد لله الذی لم یجعل مصیبتی فی
دینی والحمد لله الذی لو شاء جعل مصیبتی اعظم مما کانت والحمد لله علی الامر
الذی شاء ان یکون فکان وباید که مردگان را فراموش نکند زیرا که دست
ایشان از اعمال الخیر کوتاه گردیده واز جانب برادران وفرزندان وخویشان و
برادران مؤمن کوتاه گردیده وامیدوارند واحسان ایشان را چشم براهند خصوصا
دعا کردن در نماز شب وبعد از نماز فریضه ودر مشاهد مشرفه وپدر ومادر را
زیاده از دیگران باید دعا کرد واعمال الخیر برای ایشان بعمل آورد که در خبر است
که بسا فرزند که در حال حیوة پدر ومادر عاق ایشان باشد وبعد از فوت ایشان
نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که برای ایشان بعمل آورد وبسا فرزندی که در حال
حیوة پدر ومادر نیکوکار باشد وبعد از فوت پدر ومادر عاق گردد بسبب آنکه
اعمال الخیر برای ایشان کم بعمل آورد وعمده خیرات برای پدر ومادر وسایر خویشان
آنست که قروض ادا کند وایشان را از حقوق خدا وخلق بری گرداند وحج وسایر

عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کند باستحباب یا به تبرع بعمل آورند
و در حدیث صحیح منقولست که حضرت ع در هر شب برای فرزند خود و در هر روز برای
پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم
انا اعطینا میخواندند و بسند صحیح منقولست از حضرت صادق ع که بسیار باشد
که میت در تنگی و شدت بوده باشد و حقتعالی باو وسعت دهد و تنگی را
از او بردارد پس باو گویند که فرجی که ترا رو داده است بسبب نماز نیست که فلان
برادر مومن برای تو کرد راوی پرسید که دو میت را در دو رکعت نماز شریک میتوانم
کرد فرمود بلی و فرمود که میت شاد میشود و فرح مییابد بدعا و استغفاریکه برای
او کنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او بیاورند و فرمود که بر میت داخل
میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر عملهای خیر و دعا و ثواب آن
اعمال برای کسیکه کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و در حدیث دیگر فرمود
که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف میگرداند
و میت را باین عمل منتفع میگرداند و در روایتی وارد شده است که هر گاه شخصی
بر نیت میتی تصدق بکند حقتعالی جبرئیل ع را امر کند که با هفتاد هزار هزار
ملک بنزد قبر او بروند و هر یک طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر
یک باو میگویند السلام علیک ای دوست خدا این هدیه فلان مومنست برای
تو پس قبر او روشن میشود و حقتعالی هزار شهر در بهشت باو کرامت میفرماید و هزار
حوریه باو تزویج مینماید و هزار حله باو میپوشانند و هزار حاجت او را روا
میگرداند و در حدیث معتبر منقولست که شش چیز باو میرسد بعد از وفات او
اول فرزندی که از جهت او استغفار کند دوم مصحفی یا کتابی از کتب علم که از او

بماند مردم بعد از او بخوانند سیم درختی که بکارد و مردم از او منتفع یابند چهارم آبی که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که خلق خدا منتفع کردند ششم سنتی که مردم بان عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب و ماشد آن

هذا کتاب ترجمة الصلوة من کلام ملا محمد باقر مجلسی علیه الرحمة

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی سید المرسلین محمد و عترته الاکرمین

بعد چنین گوید احقر عباد الله محمد باقر بن محمد تقی که چون نماز عمده ارکان دین است می باید بندهٔ مؤمن شرایط و آداب انرا بداند از انجمله میباید بداند که خداوندی دارد که همهٔ آسمانها و زمینها و خلایق را آفریده بر هر عاقلی ظاهر است که هیچ بنایی بی بنا نمیباشد و اگر هزار کس گوید بطفلی که اندک شعوری داشته باشد که فلان بناء خود بخود بهم رسیده البته انطفل قبول نمیکند پس وجود حق سبحانه و تعالی ظاهر است نزد هر عاقل و لیکن میباید که خداوند خود را منزه داند از انکه شبیه بمخلوقی از مخلوقات داشته باشد پس بدانکه جسم نیست مانند هوا و نور و بزرگ و کوچک و رنگ و بو و مزه ندارد و شنیدن و بوییدن و چشیدن و لمس کردن احساس او نمیتوان کرد و مکان ندارد و در عرش و کرسی نیست با انکه در همه جاست در هیچ جا نیست باین معنی که علم و قدرتش بهمه چیز احاطه کرده و لیکن عقل بکنه ذات او نمیتواند رسید نمی بینید که کور مادرزاد که علم دارد که سرخ و سبز و زرد می باشد اما تصور رنگها نمیتواند کرد و هر چه تصور کند غلط کرده است دیگر بدانکه حق سبحانه و تعالی قادر است و بقدرت کامله همه اشیا را از علم بوجود آورده و عالم است بهمه اشیا و همه نزد او ظاهر است و در ازل الازال علم داشت

نه بجمع

وقف ... ۱۳۶۱

بجمیع آنچه در ابد آباد آفریده است و هرچه را اراده کند موجود شود بمجرد اراده
موجود میشود و چون آدمی فکر کند در هر ذره از ذرات کاینات بر او
ظاهر میشود که خداوندی دارد که او را ایجاد کرده است و آدمی بخود راه
نمیدهد که کاری عبث بکند یقین که تجویز نخواهد کرد که خداوند او
که قدرتش بی کمال است و علمش لایزال است کاری که بیجا و عبث باشد بکند
و هرچه کرده است و میکند عین حکمت و مصلحت بندگان است دیگر خود
فرموده است که من همه خلایق را آفریده ام که بندگی کنند مراد نه آنست که محتاج
به بندگی ایشان باشم بلکه میخواهم که بندگی کنند مرا تا قابل ثوابهای غیر متناهی
من شوند و چون میان بندگان و خداوند ایشان بعد عظیمی بود و همه
کس قابل یافتن مراد الهی نبودند جمعی از ایشان را قابل رسالت گردانید و
بجمیع کمالات موصوف ساخت و ایشان را بخلایق فرستاد و هر یک از ایشان را
معجزات کرامت فرمود تا بر خلایق ظاهر شود که ایشان از جانب او بخلق آمده اند
از آنجمله پیغمبر ما صلی الله علیه و آله را فرستاد و زیاده از هزار معجزات
باو کرامت فرمود و از جمله خصایص آن حضرت است که معجزه آن حضرت تا قیام
قیامت باقی خواهد بود بخلاف سایر انبیا که معجزات ایشان مخصوص زمان
حیوة ایشان بود و بس و آن قرآنست که جمیع عرب را فرمودند که مثل قرآن بیاورید
عاجز شدند و باز فرمود که سوره بیاورند و نتوانستند و باز فرمود که
مساوی یک سورهٔ صغیری بیاورند و نیاوردند همه اعتراف نمودند
بعجز هر که تعصب نورزید بشرف اسلام مشرف شد و اعجاز قرآن از وجوه
بسیار است اول از جهت فصاحت و بلاغت که در اعلا مرتبه است دوم از